



چهارمین مجمع بین المللی استادان زبان و ادبیات فارسی، با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس دانشگاه تهران، رئیس بنیاد ایران شناسی، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، معاون فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و جمعی از نمایندگان انجمن های استادان ادبیات و زبان فارسی کشورهای دیگر، روز بیست و هشتم مهرماه، در تالار فردوسی دانشگاه تهران برگزار شد.  
در این مراسم، احمد مسجدجامعی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی سخنان خود را با عنوان جایگاه زبان فارسی در تکوین میراث جهانی ارایه کرد.



چهارمین مجمع بین المللی استادان زبان و ادبیات فارسی  
تهران، ۲۸-۳۰ مهر ۱۳۸۲

## موقعیت جهانی زبان فارسی

نشست ها، گزارش ها، دیدگاه ها، خبرها و مقاله ها



گفت و گو با دکتر فائزه مردانی

### کرسی های زبان فارسی در ایتالیا

۱۴



دکتر خانیکی:  
۱۰ کرسی جدید زبان فارسی در جهان دایر می شود

۱۳

### گزارش ویژه چشم های متفاوت

## آن سوتر از میز من فنجانی منتظر یک قلب گپ

وای، این درها از دیروز تا امروز صدای شان بلند شده، هم دیگر را می گیرند که نیشند. سوز می دهد. دیگر درها هم، هم دیگر را به خوبی به آغوش نمی کشند. طفلکی چای هم سرد شده پاهایم لرز گرفته اند. یک صندلی می آورم برای ضعف پاهایم و یکم را به زانو می سپارم. اوراق نه چندان بهادارم را از حلقوم کیف بیرون می کشم و به دنبال خودکار آن را زیر و رو می کنم. آه، این خودکار لعنتی هنوز به انگشت من زور می دهد. آرام تر گرفته ام. چشم هایم می دود به دنبال آن هایی که برای چهارمین مجمع بین المللی استادان زبان و ادبیات فارسی به میهمانی ایران آمده اند، از سرزمین های بسیار گذشته اند، از آسمان های بلند نیرازه دنبال نمی داند که شعری یا پاره و لایه ای.  
جان لایه ای، نفس می کشد از نبود همه میهمانان. گروهی به بازارها سرک کشیده اند و دیگران به میدان انقلاب دویده اند. پیرها هنوز به ترجیح استراحت از بازدید گذشته اند و چند تنی مانده اند.  
باز هم سرما به جانم می زند. دستم زیر پهل قابم می شوند و گوشه ای می گیرم و چشم می گذارم بر صندلی های راحت لایه ای آن گاه که فشار جبه ای بالشت اش تا ته قروم می رود و مدت ها خفه می شود. روی دیوار عفریه های کوچک و بزرگ از این هم می روند و من منتظر رسیدن عفریه ی بلند به کوچک عفریه هستم تا نزدیک وقت ناهار میهمانان را ببینم.



۸

## ایران و ماوراءالنهر

گفت و گو با دکتر هاشم رجب زاده

۷

### جذاییت های فرهنگی برای گسترش زبان فارسی

گفت و گو با ادموند نهریزک استاد دانشگاه منچستر

آموزش زبان و ادبیات فارسی پیشرفت خوبی کرده است

۵

از نگاه دوربین



جهانرین مجمع بین‌المللی استادان زبان و ادبیات فارسی، با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس دانشگاه تهران، رئیس بنیاد ایران‌شناسی، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، معاون فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و جمعی از نمایندگان انجمن های استادان ادبیات و زبان فارسی کشورهای دیگر، بیروز، در تالار فروسی دانشگاه تهران برگزار شد.

در این مراسم، احمد مسجدجامعی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی سخنان خود را با عنوان جایگاه زبان فارسی در تکوین میراث جهانی یگانه آغاز کرد. زبان فارسی با تاریخ، فرهنگ و هویت ملی ما ایرانیان پیوندی تمام عیار دارد و ما بخشی از آینده فرهنگی خویش را در گرو سرنوشت آن می‌دانیم، اما شکی نباید داشت که این تنها قسمتی از واقعیت مربوط به زبان فارسی در جهان امروز به‌شمار می‌آید. در کت صحیح و کامل این واقعیت با دقت نظر در موقعیت جهانی زبان فارسی و به عنوان صاحب نقش در میراث معنوی بشر مطرح است.

وی با اشاره به این نکته که بر اهل تحقیق پوشیده نیست که زبان فارسی در حالی که وام‌گرفته‌ی واژه‌های زبان دیگر بوده اما متفلا بر آن‌ها تأثیر گذاشته‌است، افزود: از این منظر، مطالعه درباره‌ی زبان‌های عربی، ترکی، سواحلی، سانسکریت، اردو و حتی بعضی از زبان‌های اروپایی بدون عنایت به زبان فارسی مشکل خواهد بود.

مسجدجامعی ادامه داد: انگار این واقعیت نه تنها چشم‌پوشی برخی از میراث تحول یافته‌ی جامعه بشری است، بلکه سد باب علم و تحقیق نیز به‌شمار می‌آید.

وی با ذکر این نکته که حذف تمام باقیمتی از هزلیاتی که بخشی در شکل‌گیری تمدن بشری داشته موجب آسیب رساندن به میراث معنوی مشترک جهانی شو راه شده، گفت: آیدیشه‌ی بشری در شبای آینده هیچ‌گاه نمی‌تواند متکی به یک یا چند زبان باشد و تنها از آیدیشه‌ی مرتبط با آن زبان‌ها بهره‌گیرد. اگر زبان عامل ارتباط و تفاهم است، تیل از آن باید داشته‌باشد که ارتباط صحیح و تفاهم واقعی با هم‌اشاره‌ی توأم با مندرکنت فرهنگی ممکن می‌شود.

رئیس چهارمین مجمع بین‌المللی استادان زبان و ادبیات فارسی، با ذکر این مطلب که ساختن جهان مبتنی بر مشارکت و همکاری فقط با حفظ زبان و آیدیشه است که چنین خواسته‌ای با سهم داشتن فرهنگ زبان و آیدیشه‌ی آن به چنین خواسته‌ای به درستی امکان تحقق می‌یابد، افزود: اگر به این نکته توجه داشته باشیم که خصوصت‌ها و نفرت‌ها از زبانی شروع می‌شود، می‌توان گفت که صلح نیز از آیدیشه و به طبع از ابراز عرصه‌ی آن، یعنی زبان فرهنگ‌ها و وجود خواهد آمد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی مدفعه‌ها و تلاش‌هایی که برای زبان فارسی انجام می‌شود را محدود به این سرزمین و مردم ندانست. بلکه مدفعه‌های برای فرهنگ و میراث معنوی بشری بر شمرده و گفت: همگان می‌دانند که تاریخ و تمدن ایرانی به دلیل موقعیت جغرافیایی ایران و نیز حضور مؤثر ایرانیان در عرصه‌ی تجارت و فرهنگ، نقش مهمی به‌خود اقلتی ایصال تمدن‌های آسیای غربی با جنوب و شرق آسیا

داشته است.

احمد مسجدجامعی در ادامه سخنان خود گفت: شبه‌فاره‌ی هند، چین، عثمانی، عربستان، آسیای مرکزی و حتی جزایر دور دست اقیانوس هند، از طریق این حلقه‌ی واسطه و به تعبیر جغرافی‌دانان قدیم، مرکز عالم، به هم مرتبط می‌شوند و در شکل‌گیری این ارتباط، زبان فارسی سهم اساسی داشته‌است. از این روست که گستردگی، غنا و وسعت دامنه‌ی زبان فارسی فقط حاصل تلاش ایرانیان نبوده‌است.

وی با اشاره به این که بزرگان غیرایرانی این نواشی در توسعه زبان فارسی نقش داشته‌اند، عنوان کرد: علاقه‌مندی سلاطین گورکانی هند به شعر و ادبای ایرانی، نامه‌نوشتن امپراتور مغول به زبان فارسی برای پاپ در قرن سیزدهم میلادی، کاربرد وسیع اصطلاحات فارسی توسط دریاوردان و تجار اقیانوس هند، اعم از عرب و هندی و مالایایی و موارد بسیار دیگر تنها بخشی از تلاش‌های غیر ایرانیان در به‌کارگیری و گسترش زبان فارسی است.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی افزود: گاهی گذر به حوزه‌های مهم میراث معنوی بشری در عرصه علم، عرفان، دین و نظائر آن نیز همین سخن را بازگو خواهد کرد. به این معنا که فارسی به عنوان زبان علم، زبان دین و زبان عرفان مطرح است.

مسجدجامعی کارنامه‌ی زبان فارسی را در امر اشاعه‌ی آن بسیار روشن‌داشت و افزود: زبان فارسی جدید در فزون‌نخستین اسلامی و قبیقه‌ی انتقال پیام اسلام به شبه‌فاره‌ی هند، نواشی دور دست آسیای مرکزی و نقاط شرقی را بر عهده گرفت. حتی در سواحل دور دست اقیانوس هند نیز ایرانیان در این امر سهم بودند. این امر موجب شد تا بدون آن که سیاست و حکومت ایرانی مداخله‌ای داشته‌باشد، به‌انگهی استفاده‌های تالی زبان فارسی و استواری ایمان فارسی زبانان، اسلام گسترش یابد. هم‌اکنون نیز در قسمت‌های شرقی چین، زبان فارسی چنین نقشی را بر عهده دارد.

رئیس چهارمین مجمع بین‌المللی استادان زبان و ادبیات فارسی با ذکر این مطلب که در عرصه عرفان، زبان فارسی نیز مانند دین بسیار درخشیده‌است اظهار کرد: صلح و سلمی که عرفان جست‌وجوگر آن است و زیبایی و رموزاری که از آن حال می‌شود، عرفان ایرانی اسلامی را از کشش نیرومندی برخوردار کرد و که از هند آسیای مرکزی و بلکان و بسیاری از نواشی دیگر را با زبان فارسی آشنا ساخت.

وی حضور زبان فارسی را در میان ترکان پیش‌تر از طریق عرفان دانست و افزود: این امر در خارج از قلمرو سیاسی حکومت‌های ایرانی شکل گرفته و به صرف رسایی و توانایی شعری و ادبی زبان فارسی در بیان مقصای عرفانی، عرفای بزرگ راه انتخاب این زبان برای برگزاری ارتباط با مریدان و علاقه‌مندان خود واضح کرده‌است.

مسجدجامعی در ادامه با اشاره به ۱۹ اثر حماسی قرون نخستین اسلامی که تقریباً هم‌زمان یا شامه‌همه سروده شده‌است، عنوان کرد: آثار حماسی متعددی زیره زبان فارسی در محیط‌های غیرفارسی زبان خلق شده‌است. مانند داستان‌نامه‌ی طروسمی که در قرن هشتم در آسیای صغیر سروده شده‌است. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی پیش‌تر نیز استقبال دربار‌ها از زبان فارسی را متعلق به ترکان دانست و اظهار کرد: نقیض‌ترین نسخه‌های شامه‌همه در دربار ترکان به دست آمده‌است.

وی با اشاره به این که موقعیت علمی زبان فارسی نیز همین شرایط را دارد، افزود: شکل‌گیری جدید حیات علمی در ماوراءالنهر و خراسان قرون نخستین اسلامی به کمک زبان فارسی صورت گرفته. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ادامه داد: فراهم آمدن کتاب‌های متعدد به زبان فارسی در زمینه‌ی پزشکی، نجوم، تاریخ، جغرافیا، کیهان‌شناسی، داروشناسی و نظائر آن همگی با یا بهره‌گیری از فارسی بیان شده‌است. ما بعداً دو تکوین تمدن اسلامی نو متکی بود. همین‌دانش، ها، بعدها دو تکوین تمدن اسلامی و با انتقال به اروپا در شکل‌گیری زبانشناسی نقش ارزنده‌ای ایفا کرد. وی با ذکر این مطلب که چنین پیشینه‌ای از مفارک امکانات بسیاری که در سرشت زبان فارسی نهفته‌است، استخراج می‌دهد، گفت: بااین حال نمی‌توان تنها به گذشته‌ای پرشکوهِ بسنده کرد و در بر تو آن آرام گرفت.

## موقعیت جهانی زبان فارسی

**ارزیابی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با عنوان جایگاه زبان فارسی در تکوین میراث جهانی**

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در ادامه سخنان خود خاطر نشان کرد: زبانی که نوآوری در خور و متناسب با ضرب آهنگ شناخت جهان امروز نداشته باشد، به حاشیه خواهد رفت. وی نقطه امید آیداری رشد زبان فارسی را بسیار دانست و افزود: بهره‌گیری از آن‌ها برای افزایش توانایی زبان فارسی تنبیری جدی می‌طلبد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، توجه به کرسی‌های زبان فارسی در کشورهای مختلف جهان را در سال‌های اخیر، روندی قابل اعتنا برشمرد و گفت: شال و مریتت فرهنگ ایرانی و زبان فارسی چشم‌اندازی روشن از مناسبات فرهنگی رابین ایران و کشورهای جهان نوید می‌دهد.

احمد مسجدجامعی ادامه داد: گسترش رسانه‌های نوشتاری، سعمی و بصری، عرصه‌های تازه‌ای را از قابلیت‌گشوده‌اند و زبان ما هم‌اوپا پایزه‌های روز، تازه‌مز و شاداب‌تر می‌سازد و عرصه‌ی معنا فرینی آن را می‌گستراند.

وی با اشاره به این مطلب که سالانه دهها هزار عنوان کتاب در موضوع‌های مختلف فرهنگ و علم در کشورهای مختلف، به ویژه کشورهای فارسی‌زبان منتشر می‌شود، گفت: شناخت جامعه‌های توان‌مندنی و غنای هر زبانی در توان آفرینش آثار فرهنگی آن می‌توان جست‌وجو کرد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اظهار خوشبینی از این که در ایران افزایش بین‌زبان علم و زبان ملی به وجود آمده‌است افزود: همین امر موجب شده که زبان فارسی پیوند قابلیت‌ها و ظرفیت‌های نهفته‌ی خود را هر روز پیش از گذشته آشکار کند. وی از غنای موقعیت علمی دانشگاه‌ها، گسترش سطح آگاهی‌های فرهنگی جامعه، بالا رفتن میزان تحصیلات و در نشان از تحول فرهنگی طبیعی دانست که در زبان فارسی در آستانه‌ی انجام است و این تحول می‌تربود در حوزه‌ی مطالعات مربوط به زبان فارسی و آموزش آن مؤثر است.

رئیس چهارمین مجمع بین‌المللی استادان زبان و ادبیات فارسی افزود: تحولات فرهنگی‌ای که در یک دهه گذشته در جغرافیای فرهنگی بشرک ما به وقوع پیوسته، زبان فارسی را زبان رایج و رسمی در یکی از عرصه‌ترین گردهم‌گاه‌های جهانی کرده‌است.

وی ادامه داد: به دیگر سخن اگر قلمرو زبان فارسی در یک دهه صدسال گذشته در معرض تلاش و تقسیم بوده، در یک دهه گذشته چشم‌اندازی روشن و امیدبخش برای مطالعات ایرانی و زبان فارسی ترسیم شده‌است. فراهم‌گردن زیرساخت‌های لازم برای داد و ستدهای فرهنگی بین تولیدکنندگان زبان فارسی بیرون از مجموعه‌ی دستگاه رسمی، سیاستی است که طی این سال‌ها دولت جمهوری اسلامی ایران به جد در پی آن بوده‌است. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی سه عرصه را برای موقعیت زبان فارسی مورد توجه قرار داد و افزود: نخست آن که گویدگان و نویسندگان زبان فارسی در نقاط مختلف جهان تیارند، ابراز هویتی واحد هستند. از این رده لازم می‌ماند فرزادی اختصاص یک‌کاد در نظام بین‌المللی نشر و کتاب (ISBN) به آثار گسترده ایرانی، راهکارهای آن، مورد بررسی قرار گیرد. به این ترتیب ضمن گردآوری تمام آثار فارسی‌نیل یک مجموعه‌ی شعری از وضعیت نوشته‌های فارسی در نتیجه هویتی واحد ایرانی‌شود. وی مسأله دوم را این گونه بیان کرد که زبان فارسی خود مواجهه‌یاب‌بزرگان ما هم‌مبنی‌با تحولات، ظرفیت‌های خود را شکوفا خواهد ساخت.

دیگر فرهنگ‌ها عرصه‌ای برای تحسین توانایی‌های زبان فارسی است. افزود: در غیر حال، زبان واژه‌های فارسی در کشورهای فارسی‌زبان و هم‌اندیشی و ارتباط بیرونی در کشورهای مختلف فارسی‌زبان بر توان و آیدیشه اسلامی در پایان سخنان خود گفت: وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پایان سخنان خود یاد عرصه سوم هم‌عراهی و تحول زبان فارسی را عرصه جدید و نو به‌گسترش رایانه و شبکه‌های بین‌المللی رایانه‌ای است. تعریف زبان و حفظ فارسی و تقویت آن در این عرصه و ساخت نرم‌افزارهای متناسب بر اساس سرشت زبان فارسی و رعایت همه جواب لازم برای حفظ آن از ضرورت‌هایی است که پیش روی ما قرار دارد.



## زبان فارسی، خط و واژگان



هیچ گونه پیشنهادی در مورد تغییر ساختار خط با برخی از نکته‌های دستوری یا واژگانی زبان فارسی ندارم و حتی بحث آن را به زبان گسترش زبان فارسی می‌دانم. به گزارش خبرنگار ما، حسن حبیبی، رئیس بنیاد ایران‌شناسی روز گذشته در مراسم افتتاحیه‌ی چهارمین مجمع بین‌المللی استادان زبان و ادبیات فارسی با بیان این مطلب گفت: آن چه باید در آموزش زبان فارسی زمان حاضر به آن پرداخت، به کار بردن شیوه‌های فنی نو در مورد مسائل مختلف آن است. وی سپس با اشاره به مشکلات زبان فارسی افزود: دستور خط فارسی با رسم‌الخط فارسی، به علت وجود



اشکال مختلف در حروف فارسی و نیز پیوستگی برخی از حروف و گسستگی برخی دیگر در نوشتن متن، برای نوآموز زبان فارسی برش‌هایی به همراه دارد. حبیبی ادامه داد: باید قواعد یکسانی را برای خط فارسی تدوین کرد. این کار طبقه‌ی فرهنگستان زبان و ادب فارسی است که به آن پرداخته است. رئیس بنیاد ایران‌شناسی ضمن تأکید بر لزوم تدوین دستور خط فارسی، ساده‌سازی دستور خط فارسی برای زبان‌آموزان غیر ایرانی و هماهنگ‌سازی آن با محیط‌های یادگیری را از جمله اقداماتی برشمرد که هنوز هیچ‌گونه راهکاری برای اجرای آن وجود ندارد. حبیبی گفت: دستور زبان فارسی باید با توجه به نیاز زبان‌آموزان به صورت دستور زبان مقدماتی و یک دستور زبان پیشرفته تدوین شود ولی باید تحقیق و بررسی شود که واژه‌های مورد استفاده در مرحله‌ی مقدماتی و متوسطه و شاید پیشرفته باید چه واژه‌هایی باشد.

## مرکز هماهنگی اصطلاحات ایرانی تاجیک و افغانی



رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی از تأسیس مرکزی برای ایجاد هماهنگی در اصطلاحات زبانی کشورهای ایران، تاجیکستان و افغانستان با همکاری یونسکو در آینده‌ای نزدیک خبر داد. به گزارش خبرنگار ما، در مراسم افتتاحیه‌ی مجمع بین‌المللی استادان زبان و ادبیات فارسی با اشاره به برخی از دشواری‌ها و چالش‌هایی که زبان فارسی امروزه با آن‌ها روبه‌روست، گفت: توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی مفاهیم و ابزارها و روش‌ها چه در جهان و چه در جامعه‌ی ایران، زبان فارسی را به توسعه‌ی فرامی‌خورند. حضور انبوهی از لغات بیگانه در زبان متخصصان و حتی مردمان نودهی مردم، نشانه‌ی آن است که زبان فارسی در همگامی و همراهی با توسعه‌ی علمی و فنی و اقتصادی عقب مانده است.

وی با اشاره به این که طرفان جهانی سازی هر روز شدت می‌گیرند و اقتصاد و فرهنگ جامع مستقل را تهدید می‌کند، افزود: مسأله‌ی مهم کشورهایی مانند ایران در سراسر جهان این است که چگونه می‌توان با حفظ هویت ملی در فرایند جهانی‌سازی مشارکت کرد.

وی ادامه داد: ارتباطات مکثرب در فضای اینترنت به خط و زبان دیگری غیر از خط و زبان فارسی است. تا به آن‌جا که امروزه حتی ایرانی‌ها که از دل و جان به فرهنگ و هویت ملی خود عشق می‌ورزند اغلب ناچارند در این فضای زبان انگلیسی ویادست‌کم از خط لاتین استفاده کنند.

حداد عادل، بنیادسازانجوی زبان‌های اروپایی برتر فارسی نویسنده‌گان ایرانی، که از آن به‌گوته برادری تعبیر شده، واژگان و رونق و روح بازار ترجمه است، یکی دیگر از موانع پیش روی زبان فارسی خواند.

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی گفت: گسترش رسانه‌های ارتباط جمعی به ویژه رادیو و تلویزیون و حضور این دو رسانه در دورافتاده‌ترین نقاط کشور، تهدیدی جدی برای گویش‌های ایرانی است. وی از این گویش‌ها به عنوان پشتلوه‌ی طبیعی زبان فارسی یاد کرد و ادامه داد: نودی آن‌ها، پشت زبان فارسی را خالی خواهد کرد و افزود: خلجگی شدن و مسایل جانبی و تکثیر که به برکت رایانه حاصل شده، به هر کس امکان داده است تا رسم‌الخطی مطابق سلیقه و اطلاع خود برگزیند و این امر

می‌تواند مقدمه‌ی بروز شدت در خط فارسی باشد. حداد عادل آموزش زبان و ادبیات فارسی در داخل و خارج کشور را ساماندهی و تحقیق در انواع روش‌ها و تألیف انواع برنامه‌های آموزشی دانست و ادامه داد: تألیف انواع فرهنگ‌های فارسی به فارسی و فرهنگ‌های چندزبانه، متناسب با انواع احتیاجات فارسی‌زبانان و فارسی‌آموزان و تقویت دیگری است که بروزش استادان زبان فارسی سنگینی می‌کند. وی در بخش دیگری از سخنانش تأکید کرد: فرهنگستان زبان و ادب فارسی تلاش می‌کند تا با اهدامی اعضای پوسته‌ی دانشمند خود، که اخیراً شمار آن‌ها از ۱۷ نفر به ۲۳ نفر افزایش یافته و با مساعدت اعضای پوسته‌ی تاجیک و افغانی و مدد همی استادان و صاحب‌نظران داخلی و خارج کشور در حد توان به نگهداری از زبان فارسی بپردازد.

حداد عادل همچنین از تشکیل پیش از ۵۰ گروه واژه‌گزینی برای یافتن معادل‌های فارسی در رشته‌های تخصصی گوناگون و انتشار نزدیک به ۲۰ مجله که در بر دارندگی لغت معرب فرهنگستان است و اقدام برای تألیف یک فرهنگ لغت جامع زبان فارسی به عنوان فعالیت‌های فرهنگستان یاد کرد.



استاد زبان و ادبیات فارسی در قزاقستان:

## فرهنگ قزاق‌ها به فارسی مکتوب شده است

حمید مزوعه

روز صادقو استاد دانشگاه القزاقی، یکی از استادان جوان کشور قزاقستان است. ختم روزا صادقو ۲۲ سال دارد و در استان قزاقی در جمهوری لزیخستان به دنیا آمده است. وی در سال ۱۹۸۸ دوره دبیرستان را به پایان رساند و در سال ۱۹۹۰ وارد دانشگاه القزاقی شد و پس از فارغ‌التحصیل شدن به عنوان استاد زبان و ادبیات فارسی در همین دانشگاه مشغول تدریس شد. از وی کتاب‌های، آموزش زبان فارسی برای دانش‌آموزان قزاقی، مکالمه قزاقی به فارسی و چندین مقاله در موضوعات واژه‌های مشترک قزاقی و فارسی چاپ و منتشر شده است.

وی ترجمه ی کتاب فرح‌میراب دانشمند بزرگ ایران را نیز اخیراً تمام کرده است.



استقبال مردم قزل از فروپاشی و بعد از فروپاشی از زبان فارسی چگونه بود؟ بعدازفروپاشی شوروی اولین دانشگاهی که زبان و ادبیات فارسی داشت، دانشگاه القزاقی بود وماجزو اولین فارغ‌التحصیلان این دانشگاه هستیم.

زبان فارسی یکی از شیرین‌ترین زبان‌های دنیاست

و من افتخار این داردم که چند سالی است این زبان را تدریس می‌کنم. زبان فارسی زندگی ما را عوض کرده است. ایران و قزاقستان فرهنگ نزدیکی باهم دارند و به همین خاطر زبان فارسی خیلی به زبان قزاقی نزدیک است،۹۰درصد تمدن و فرهنگ قزاق‌ها به زبان فارسی مکتوب شده است و حیف است این تاریخ و ادبیات از بین برود.

**استقبال مردم های چطور است؟**

زبان فارسی را بیشتر مردم نمی‌دانند و تا زمانی که مطالعه نداشته باشند نتوانند فهمید که تاریخ و فرهنگ مردم قزاق به زبان فارسی است و ما سعی می‌کنیم این مسأله را برای مردم روشن کنیم.

این را ما که زبان فارسی می‌خوانیم می‌دانیم و با علاقه هم ادامه می‌دهیم.ولی مردم عامه چیزی نمی‌دانند و تعامل فرهنگی زبان فارسی است و ما سعی می‌کنیم این مسأله کمک می‌کنند.

**تا چه اندازه‌ای با ادبیات و مناظر ادبی ما آشنا هستید؟**

ما دانشگاه را با ادبیات قزاقی تمهیز کرده‌ایم ولی به زبان و ادبیات فارسی کم پرداخته شده و این خیلی بد است و بعد از آن که به ایران آمدم متوجه شدیم ما از زبان فارسی کم می‌دانیم و دوست داریم پیش‌تر بخوانیم و پیش‌تر بدانیم.

همایش‌هایی از این دست می‌تواند مشکلات ما را کم کند.ما دوست داریم، ادبیاتی که به کشور ما می‌آیند زبان و فرهنگ شان را در کشور ما گسترش دهند.

**تدریس در دانشگاه‌های قزاقستان مؤثر است؟**

هر روز روش تدریس زبان پیشرفت می‌کند و هر دانشگاهی برنامه‌ی مخصوص خودش را دارد که جزو سیاست‌های آن دانشگاه محسوب می‌شود.

الان سفارت ایران در قزاقستان حدود ۱۰ هزار عنوان کتاب در اختیار ما گذاشته و همچنین دیگر محصولات فرهنگی که فکر می‌کنم به پیشتر از آموزش زبان و ادبیات فارسی کمک شایانی به ما کنند.

**از میان کتاب‌های ایرانی چه کتاب‌هایی به زبان قزاقی ترجمه شده است؟**

کتابی به قزاقی ترجمه نشده یا اقلتر من نمی‌دانم. شاید هم در حال چندین کتاب باشد. ولی سفر عبدالله کتاب درفی‌ای «شاعر بزرگ قزاق رایه فارسی برگردانده است. بعضی از ادبیات کلاسیک را دوست دارد و با ادبیات معاصر ایران را؟ هر دو را دوست دارم. هر کدام یک‌جایگاه خودش را دارد.

**از کتاب‌هایی که خوانده‌اید نام ببرید.**

معاشقه، از، اشعاری، نمایشنامه‌ی معروفی خون، با ترجمه احمد شاملو.

**دیگر به کدام یک از هنرهای ایرانی علاقه‌مند هستید؟**

قاشی، موسیقی، رمان و…

## زبان فارسی؛ دانشگاه استراسبورگ

### گفت و گو با دکتر حسین بیک باغبان رئیس گروه خاورشناسی دانشگاه استراسبورگ

آی‌دا محمدی

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه استراسبورگ فرانسه دکتر حسین بیک باغبان مولود ۱۳۱۶ هجری ان است و در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه اسفهان دکترایش را گرفته است. وی دیپلم مدرسه مطالعات اروپایی را در شهر استراسبورگ گذرانده و در سال ۱۹۷۰ دکتری سوم‌اش را در رشته تاریخ سپری کرده است. سال ۱۹۷۵ میلادی دکتری دوفتی گرفت و از سال ۱۹۸۸ مشغول تدریس و آموزش زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه استراسبورگ است. دکتر بیک باغبان هم اکنون دارای کرسی زبان و ادبیات فارسی و رئیس گروه خاورشناسی دانشگاه یاد شده است.

او به عنوان مهمان و یکی از سخنرانان مجمع بین‌المللی زبان و ادبیات فارسی از سوی شورای گسترش به ایران دعوت شده است.

آقای دکتر الان در دانشگاه استراسبورگ چه تعداد دانشجوی مشغول آموزش زبان فارسی هستند و ادبیات فارسی می‌خوانند؟

ما حدود هفتاد دانشجوی داریم که فقط در رشته ی زبان و ادب فارسی یا تاریخ تمدن ایرانی تحصیل می‌کنند.

**این دانشجویان چه دورسی را باید بخوانند؟**

متأسفانه دوره ی فوق دیپلم و لیسانس در دانشگاه استراسبورگ نداریم. ما فقط یک دیپلم دانشگاهی زبان فارسی داریم که دوره‌اش سه سال است و همان واحدهای اختیاری برای درس‌های رشته‌های دیگر است. زبان فارسی را ابتدا از القبا شروع می‌کنیم و بعد هم در دوره ی ادبیات از تاریخ ایران قبل از اسلام و دوره ی اسلامی و بعد از آن صحبت می‌شود. در رشته ی ادبیات هم از شعری کلاسیک و با او شعرا ن و نویسندگان معاصر بحث و گفت‌وگو می‌شود. البته آنها به زبان فارسی است. دانشگاه‌های فارغ‌التحصیلان زبان و ادبیات فارسی عمدتاً تا چه کاری می‌برازند؟

آن‌هایی که دیپلم دانشگاهی می‌گیرند، می‌توانند مترجم شوند، یاد‌آور کارهای بازرگانی نقش واسطه را داشته باشند، از نظر روابط تجاری بین ایران و فرانسه، کارهایی از این دست را می‌توانند انجام دهند.

**الان بعضی از ادبیات فارسی معاصر به زبان فارسی ترجمه و منتشر می‌شود. مثلاً اشعار سپهری، شاملو و یا داستان‌های گلی ترفی و… ترجمه ی این آثار به زبان‌های داره؟**

مسئلاً با زبان دارد. به نظر من اگر امکانات، اجازه بدهد مرکزی با همکاری همین دانشجویانی که در رشته ی زبان و ادبیات فارسی درس می‌خوانند و علاقه‌مند هستند، در دانشگاه استراسبورگ دایر شود تا در این حوزه فعال شوند. **الان دانشجویان و فارغ‌التحصیلان زبان فارسی چه نقشی در معرفی ادبیات فارسی دارند؟**

البته با کارهایی که انجام می‌گیرد و مطالبی که گفته می‌شود، این دانشجویان با مسائل آشنا می‌شوند. پس از آشنایی هم بالطبع به دنبال آن خواهند رفت و کتاب‌هایی که منتشر می‌شود را می‌خوانند. با نهایت علاقه مدتی ایرانیاتی که از سال‌ها قبل در کشورهای خارج مقیم شدند و یا فرزندان آن‌ها که می‌خواهند پس از سال‌ها اقامت در جست‌وجوی ریشه‌های قومی خودشان باشند و از تاریخ و ادب سرزمین خودشان سرور بیابارند این تلاش‌ها بسیار نتیجه‌بخش خواهد بود.

**بعضی از نویسندگان ایرانی پس از انقلاب مقیم فرانسه شدند و با نویسندگان و شاعران جوانی در غربت به نویسندگی روی آوردند. با ادبیات این گروه هم آشنا هستید؟**

من اطلاع زیادی از این افراد و آثارشان ندارم. البته کارهایی می‌کنند ولی من خیلی آثارشان را نخوانده‌ام. بیش‌تر ترجمه‌هایی را که از نویسندگان ایرانی در فرانسه منتشر شده است مطالعه می‌کنم.

**خوب، یک نسل تازه هم هست که به زبان کشور میزبان می‌نویسند و شاعر می‌شوند. این عده در همان جا به دنیا آمدند و در همان جا نویسنده و شاعر شدند.**

این مطلب دیگری است. اگر بخواهیم ادب فارسی را مطالعه کنیم، عده‌ای به زبان مادری می‌نویسند و فارسی به زبان فارسی است. عده‌ای هم هستند ادبیات فارسی را به زبان فرانسوی می‌نویسند. خود من هم همین تریتم

مقلاتی که نوشتم به زبان فرانسوی است. حتی سخنرانی‌ها و گفتارهای ادبی هم به زبان فرانسوی است. قطعاً این دسته از اهل قلم در اشاعه فرهنگ ایران بسیار مؤثرند؛ هم از نظر تاریخ، هم از نظر فلسفه که در این زمینه می‌بران به آثار داریوش شایگان نیز اشاره کرد. و مثل اوبسیاری هستند که به زبان فرانسوی می‌نویسند. برای فرانسوی‌ها بسیار مهم است با ادبیات فارسی پس از انقلاب آشنا شوند.

**بعضی از ادبیات کلاسیک فارسی توسط همین فرانسوی‌ها بازخوانی و تصحیح و منتشر شده است. کسانی نظیر یان ریشارد و یا اخیراً توسط آقای کریستف بالایی که در زمینه پیدایش رمان و داستان در ایران تحقیق کرده‌اند. با این گروه‌ها چه قدر در تعامل و ارتباط هستید؟**

حقیقت این است که آن‌ها با دانشگاه استراسبورگ و با ما ارتباط ندارند. این من این بود که همکاری پیش‌تری بین مراکز ایران‌شناسی باشد که متأسفانه و بنیابه دلایلی که از دکترش معذورم این همکاری شکل نگرفت و این باعث تأسف بسیار است.

**آقای دکتر نمود شما در زمینه ادبیات و زبان فارسی کاری تحقیقی و پژوهشی انجام داده‌اید؟**

من تاکنون کتابی منتشر نکردم؛ غیر از سه رساله‌ای که برای کارشناسی ارشد و دکتریام نوشته‌ام و سه صورت مقاله برخی از موضوعاتش منتشر شده است. در موردحافظ، نظامی گنجوی و نیما یوشیج مقلاتی نوشته و منتشر کرده‌ام. اما تخصص من پیرامون فرقه‌های اسلامی است و در مورد اهل حق تحقیق می‌کنم. این مقابل تماماً به زبان فرانسوی نوشته و چاپ شده است.

**یعنی موضوع یک رساله شما، شعر معاصر و نیما یوشیج بوده است؟**

نه، موضوع رساله‌ی دکتری من، فرق اسلامی و اهل

حق، بوده است.

**دربار نیما یوشیج چه کرده‌اید؟**

مایک مرکز شعر در منطقه مدیترانه‌ای داریم که مرکز آن در خود دانشگاه استراسبورگ است و از ۱۹۸۰ این مرکز آغاز به کار کرد و تا به حال سه گروه برگزار کرده‌است. من با زحمات زیاد، ایران را که از نظر جغرافیایی جزو منطقه ی مدیترانه نیست به عضویت این مرکز در آوردم. بنابراین در هر سه کنفرسی بین‌المللی که اولی در استراسبورگ و در محل پارلمان اروپا و دوم در برن، و سوم در اسپانیا بود، از برخی از هنکاران از جمله در بیان از دوست بزرگوار دکتر حدیدی -که روحشان شاد دعوت کردم.

**در این کنفره از ادبیات ایران بسیار گفت‌وگو شده و من هم در مورد پروین اعتصامی و نیما یوشیج و اخوان ثالث صحبت کردم که هر سه مقاله به زبان فرانسوی در مجلدی لغتان و مجلات فرانسه به چاپ رسیده است.**

**گویا هر سال کنفره‌های در دانشگاه استراسبورگ برگزار می‌کند که سال گذشته با دولتشاه اعتصامی داشت.**

هر یک از بزرگان شعر کلاسیک جایگاه ویژه‌ای در ادبیات جهان دارند. حتماً شما هم در جریان هستید که سال گذشته دردم فروردین -اگر تاریخ اش را اشتباه نکنم - در استراسبورگ کنفره ی بین‌المللی قرطبه و اسفهان را داشتیم و اسال قبل هم در مورد جلال‌الدین یک کنفره ی سه روزه باز هم در همین ایام برگزار کردیم که از آمریکا و ایران و کشورهای مختلف مهمان‌نمائی شرکت داشتند. به خصوص ایجاد جهان دوستی مولانا و انسان دوستی اش مورد بررسی و توجه واقع شد و یک فیلم سینمایی توسط یکی از کارگردانان ترک درباره ی زندگی مولانا ساخته بودند که به نمایش درآمد.

**آقای دکتر در مورد مجمع سه روزه ی استادان زبان و ادبیات فارسی بفرمایید. چگونه به این کنفره دعوت شده‌اید و پیرامون چه موضوعی قرار است سخنرانی کنید؟**

دوستان بسیاری از من خواستند که در این کنفره شرکت کنم. باز هم با مشکلات بسیاری که دارم اطاعت امر کردم و آمدم. موضوع سخنرانی خود را به صورت مقاله ارائه کرده‌ام اما فرانسوی که در اختیار من گذاشته شده فکر نمی‌کنم بتوانم فرایک ربع ساعت پیرامون زبان فارسی در استراسبورگ، بیرون، امروز و فردا، به صورت کامل سخنرانی کنم. به گمانم باید به طور مختصر از تاریخچه ی زبان فارسی بگویم.

ادموند هریگ استادزبان و ادبیات فارسی دانشگاه منچستر انگلیس است که در چهارمین مجمع بین‌المللی استادان هریگ ۲۵ ساله کارشناسی زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه کمبریج پشت سر گذارده و یک سال نیز در دانشگاه پریشتون بوده است و سپس به دانشگاه آکسفورد برگشته تا از رساله‌ی دکترای خود دفاع کند، سپس کار اصلی خود را در بخش مطالعات خاورمیانه ادامه داده و الان در دانشگاه منچستر تاریخ معاصر و زبان فارسی تدریس می‌کند.گفت‌وگویی ما را با وی بخوانید.

**گفت و گویا ادموند هریگ استاد دانشگاه منچستر**

## جذابیت‌های فرهنگی برای گسترش زبان فارسی

وضعیت فرهنگ و زبان فارسی در انگلستان، خصوصاً در دانشگاه‌های این کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

من معتقدم که آموزش زبان و ادبیات فارسی پیشرفت خوبی کرده است. من خودم برای اولین بار در دانشگاه کمبریج با کتاب گلستان سعدی شروع کردم که متأثر از روش آموزشی آن زمان است و اسنادان آن زمان، یعنی شروع با متن کلاسیک را پیشنهاد می‌کردند چرا که اسنادان آن زمان معتقد بودند خواندن و فهمیدن متون کلاسیک که شاهکارهای زبان و ادبیات فارسی محسوب می‌شوند، کمک شایانی به آموزش می‌کند و به همین دلیل در برنامه تحصیل ما از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بود و این مسأله باعث شد از ادبیات معاصر در برنامه‌ی آموزشی کم‌تر استفاده شود.

پیش‌تر در کتاب خانه‌ها می‌نشستیم و با متون کلاسیک و

لغت‌نامه، سعی می‌کردیم دانش مان را در حوزه‌ی زبان فارسی

افزایش دهیم. امروزه این روش آموزشی خیلی قدیمی به نظر می‌رسد چرا که در همه‌های اخیر روش آموزش و یادگیری زبان فارسی در دانشگاه‌های انگلستان تغییر اساسی کرده است



و من در سخنرانی‌ام سعی کرده‌ام نشان بدهم که چرا این تغییر به وجود آمده است. اولاًکه تئوری‌ها و روش‌های تدریس زبان خیلی پیشرفت کرده، که این پیشرفت از زبان انگلیسی شروع شده و به تدریج به زبان‌های اروپایی سپس به زبان‌های شرقی رسیده است که تأثیر این تغییرات، در آموزش زبان فارسی در دانشگاه‌های انگلستان بسیار محسوس است.

ثانیاً دانشجویان امروزی با دانشجویان زمان ما فرق دارند، من اگر جرات کنم و گلستان سعدی را برای تدریس پیشنهاد کنم، مسلماً دانشجویان، آن واحد درسی را حذف می‌کنند چرا که آن‌ها در دبیرستان به روش‌های دیگر عادت کرده‌اند و انتظار دارند وقتی به دانشگاه وارد می‌شوند، با همان روش ادامه دهند. ولی باید اعتراف کرد سطح زبان و ادبیات فارسی در انگلستان به آن شرایط مطلوب نرسیده است که عوامل مختلفی دارد. مثلاً در انگلستان اسنادان بسیار محافظه‌کار هستند و یا گروهی معتقدند یادگیری زبان در دانشگاه یا یادگیری کالج‌های خصوصی فرق دارد، چرا که در کالج یاد می‌گیرند چگونه ارتباط بهتری برقرار کنند.

خب ارتباط بهتر زمینه‌های تحقیقاتی را نیز فراهم می‌کند پس این محافظه‌کاری برای چیست؟ در قدیم تأکید بر روی متون کلاسیک و قدیمی بود ولی نسل جدید تنها این نوع روش آموزشی را نمی‌خواهد. البته باید بگویم با این‌که ما زمینه سنتی خیلی باشکوهی در ایران شناسی داریم ولی باز اسنادان نگار هستند، چرا که دانشجویان امروزی خوب صحبت می‌کنند ولی نمی‌توانند خوب از متون کلاسیک استفاده کنند.

دانشگاه برای این وضعیت چه برنامه‌هایی دارد؟ نظر خود من این است که برای مبتدیان باید از روش‌های جدید استفاده شود نه از متون کلاسیک. یعنی این جزو سیاست‌های دانشگاه منچستر است؟ نه ما خودمان یعنی اسنادان تصمیم می‌گیریم و دوست

داریم به شیوه‌ی ملرن عمل کنیم.

سطح و جایگاه زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه منچستر در مقایسه با دیگر دانشگاه‌های معتبر چگونه است؟

در این مورد نمی‌توانم نظری بدهم ولی در مورد دانشگاه‌های انگلستان وضعیت کم و بیش در یک سطح برگزار می‌شود و فکر می‌کنم هنوز اغلب دانشگاه‌ها به صورت سنتی تدریس می‌کنند.

شما در طی این چند روز زبان فارسی را در روزنامه‌های ایران چگونه دیدید؟ آیا نوع آموزش شما با زبان فارسی که در ایران امروز به کار برده می‌شود، هیچ‌گونه مغایرتی ندارد؟ آیا کاملاً مفهوم است؟

نه، من هیچ مشکلی ندیدم و هیچ مغایرتی ندارد. اصولاً ما خودمان در تدریس زبان فارسی از روزنامه‌ها استفاده می‌کنیم. در میان کلاهای فرهنگی ایران مثل فیلم، تئاتر، موسیقی و کتاب از کشورهای غربی کمک یک در آموزش زبان و ادبیات فارسی نقش مؤثرتری را ایفا می‌کند؟

در انگلستان ادبیات ایران شهرت زیادی دارد، هرچند که ادبیات معاصر ایران را خیلی نمی‌شناسند. ولی ادبیات قدیم

### ادموند هریگ:

**معتقدم که آموزش زبان و ادبیات فارسی پیشرفت خوبی کرده است**

### مخدم برای اولین بار در دانشگاه

**کمبریج با کتاب گلستان سعدی شروع کردم**

خصوصاًشعر عرفانی را خوب می‌شناسند. در عوض سیمدای معاصر ایران جایگاه ویژه‌ای دارد و در ویژه‌برنامه‌هایی هم چون فستیوال‌ها خوب از آن‌ها استقبال می‌شود و در سیمدای مخصوصی به نمایش گذاشته می‌شود و روزنامه‌ها هم راجع به سیمدای معاصر مطالب مختلفی نوشته می‌شود.

در مورد تئاتر ایران باید بگویم اصلاً شناخته شده نیست. کنسرت موسیقی هم کم است و اغلب ایرانی‌های مقیم، از آن استقبال می‌کنند.

**شما چه کنسرتی را از نزدیک دیده‌اید؟ خواننده یا خواننده‌ای که پیش‌تر خوشتان آمده، چه کسی است؟**

آقای شجریان، از صدای شجریان خیلی خوشم آمد. البته کنسرت دادو آزاد هم خیلی خوب بود حتی ما دانشجویان گروه زبان و ادبیات موسیقی را فرستادیم که حتماً ببینند و دیارنمان موسیقی نیز همین کار را کرد و مردم نیز استقبال خوبی از موسیقی ایرانی کردند. اگر گروه‌های موسیقی پیش‌تری به انگلستان می‌آمدند به نظر شما اصلی‌ترین ضعف زبان فارسی خیلی کمک می‌کرد.

به نظر من هیچ ضعفی ندارد.

**از بین کلمات زبان فارسی از چه کلمه‌ای خوشتان می‌آید؟** هیچ واژه‌ای را محبوب نمی‌دانم. البته این یعنی این که همه‌ی واژه‌ها برای من دوست‌داشتنی هستند.

**ادبیات کلاسیک ایرانی را دوست دارید یا ادبیات معاصر را؟** ادبیات کلاسیک.

**از بین شاعران ایرانی…**

حافظ، مولوی و سعدی را دوست دارم.

**اولین کتابی بودی که خواندید؟**

**چندیمی صحبت‌هایمان را در چند کلمه بیان کنید**

از جذابیت‌های فرهنگی برای گسترش زبان فارسی استفاده کنید.

## کتاب

### میراث‌های ایرانی در تاریخ بالکان

«ایران شناسی وایران شناسان در قلمرو

یوگسلاوی پیشین»؛ تا به حال بسیار کم

مورد بررسی قرار گرفته است و ایجاد مختلف آن تا حدود زیادی ناشناخته باقی مانده است.

از این روش‌های گسترش زبان و ادبیات فارسی اقدام به انتشار کتابی با این عنوان در ۲۲۵ صفحه و با شمارگان ۳۰۰۰ نسخه کرده است.

«دکتر یاشار رجب آگیچ نویسنده

کتاب اساسی این تحقیق را تاثیر ویژه و همه‌جانبه و قابل لمس فرهنگ فارسی،انکار اسلامی، فلسفی و علمی همچنین سنت و تاریخ ایرانی بر مردم این منطقه می‌داند.

این کتاب شامل سه فصل با نام‌های مفهوم ایران شناسی، توسعه آن در جهان، به ویژه اروپا، سهم علمی و تأثیر فرهنگی ایران شناسان و برجسته‌ترین ایران‌شناسان و فارسی دانان در یوگسلاوی است.

کفتنی است از آنجا که در نظر است اصل کتاب به زبان

صربی، یوسبکی به عنوان سندی، او میراث فرهنگی ایران در بالکان، با همکاری دانشکده ادبیات دانشگاه بلگراد منتشر و در اختیار مراکز علمی، پژوهشی قرار گیرد. در فصل اول کتاب به بررسی فشرده و کوتاه مقوله‌های ایران شناسی، فرهنگ ایران و زبان و ادبیات فارسی و نام‌آوران عرصه فرهنگ و ادب فارسی پرداخته شده است.

### هم‌زبانی و بی‌زبانی

«هم‌زبانی و بی‌زبانی» را محمدابراهیم شریعتی افغانستانی (عرفان) با شمارگان ۱۸۰۰۰ نسخه در ۲۳۳ صفحه منتشر کرده است.

نویسنده این کتاب محمدکاظم کاظمی فارسی‌زبانی هراتی است که فارسی را با لهجه شهرش فرا گرفته و در نخستین سال‌های تحصیل به تبع کوچیدن به کابل با لهجه پاپتخت کشورش آشنا شده و بعد از اقامت در ایران در پرداختن جدی به ادبیات با لهجه مشهد و تهران سر و کار یافته است. این تئوخ گویش‌ها و در عین حال وحدت زبان دغدغه‌ی او بوده است تا جایی که محور تألیف هم‌زبانی و بی‌زبانی شده که گوشیده است برخوردی عینی و ملموس با زبان باشد نه کاریبی بی‌سرانجام در سنگ نوشته‌ها و مدارگی که از واقعیت‌های موجود دور است. کاظمی کاظمی را در شش فصل با عنوان‌های طرح مسأله، بیان هم‌زبانی، یک زبان و دو نام، اختخارات فرهنگی، داد و ستدهای زبانی و بهسازی زبان معیار در افغانستان تألیف کرده است.

### تعامل فرهنگ ایران و هند

راهنمای پژوهشگران و مواکز پژوهشی هند در زمینه تحقیقات ایرانی - هندی را انتشارات دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی در ۸۸ صفحه و با شمارگان ۲۰۰ نسخه منتشر کرده است که در ۵۶ صفحه ابتدای آن به معرفی پژوهشگران و از صفحه ۵۷ به بعد به معرفی مراکز پژوهشی پرداخته شده است.

دکتر جندب شیخهر (از هند) و دکتر فرانسوا دلوا (ایتلی) (از فرانسه) گردآمده و در سال ۱۹۹۴ به چاپ رسیده بود. به پیشنهاد شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی دکتر جندبشیخهر ضمن ترجمه کتاب، اطلاعات جدید را هم به آن افزودند. به گونه‌ای که کتاب موجود، تفاوت اساسی با متن پیشین دارد. گفتنی است این کتاب به مناسبت نشست سراسری اسنادان زبان در هند (۱۵ و ۱۶ تیرماه ۱۳۸۲) منتشر شده است.

**کتابخانه** ۱۳۴۲، سه‌شنبه ۲۹ تیر ۱۳۸۲ ۵



کتابخانه فرهنگسرای مهر

**دبیرکل انجمن استادان زبان فارسی هند**

## فارسی قوی ترین حلقه در زنجیره ارتباطی ملت هاست

زبان فارسی مستحکم ترین و قوی ترین حلقه در زنجیره ارتباطات و روابط میان کشورها و ملت‌ها و نژادها بوده و به عنوان یک فرهنگ تلقی شده است.

عبدالودود الطهر دهلوی دبیر کل انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی کشور هند یا بیان این مطلب، سخنان خود را در مراسم افتتاحیه ی چهارمین مجمع بین‌المللی استادان زبان و ادبیات فارسی آغاز کرد.

وی افزود این زبان پیوستگی‌ها و نزدیکی‌هایی ایجاد کرده که قرن‌ها، ملت‌ها و آن‌ها را بهم جواری یکدیگر می‌زیسته‌اند و پیام تصدوف و عرفان برای هم‌زیستی مسالمت آمیز به وسیله‌ی زبان فارسی به جهان‌یان داده شده است ولی در جهان امروز بشریت نیاز بیشتری به آن دارد.

دهلوی هندوستان را کشور صد گفتار و هزار دستان نامید و اظهار کرد هندوستان اسم خود را از هندی زبان شیرین گرفته است و به وسیله ی رسالت و پیامی که در برداشته، نزدیکی‌های فرهنگی و مسالمت آمیز هم‌زیستی ایجاد کرده است.

وی افزود هز سال می‌گذرد که زبان فارسی داخلی ناکام هند شده است و از همین رو، این زبان یکی از زبان‌های کلاسیک ما شمرده می‌شود و تاریخ سیاسی فرهنگی، علمی، فکری و ادبی ما را حفظ کرده و سهم زیادی در به وجود آوردن فرهنگ مشترک در آن سرزمین قدیم و پهناور داشته است.

دبیرکل انجمن استادان زبان فارسی هند در ادامه، تمدن فارسی‌زبانان را میان تمدن‌های قدیم و معاصر جهان مانند چینی، مصری و هندی رده ای

اهمیت نداشت و افزود این تمدن، هیچ گاه خود را محدود و محصور در چهارچوب جغرافیایی و

حصارهای سیاسی نگرده، بلکه رابط و واسطه‌ای شده میان دیگر تمدن‌های جهان و گفت و گوا را آنان آغاز کرده است.

وی با اظهار تأسفک از این که تا به حال، مورخان، زبان‌شناسان، جامعه‌شناسان و عالمان دینی، زبان فارسی را در سطح جهان مورد بررسی قرار نداده‌اند، گفت: سازمان بین‌المللی آموزشی، علمی و فرهنگی یا همکاری شورای کنترس زبان فارسی برنامه‌ای ترتیب دهند تا متخصصان در زمینه‌های مختلف گرد هم آمده و نقش مهم زبان فارسی، یعنی ایجاد اتحاد و اتفاق میان انسان‌ها و تعامل میان مردم را دوباره ایجاد کنند.

دهلوی در پایان با اظهار امیدواری از این که زبان فارسی مانند گذشته هر چه تواناتر و درخشنده‌تر را آینده را در پیش بگیرد، گفت: برای آینده باید تریبی اتخاذ شود تا فارسی از حیث زبان، ادبیات و فرهنگ در ردیف زبان‌ها و فرهنگ‌های جهان قرار بگیرد.

## کتاب

### کلیچین

### مقالات



«زبان و حور و ایربشم» عنوان کلی از کلیچین مقالات علمی، سخنرانی‌ها و یادداشت‌های میوزا شکوروازه است که

«ادب فارسی یا همکاری»

«حیدرآباد»

«انجمن‌های فرهنگیان ایران»

«۲۸۸ صفحه و یا شانزگان»

«۱۵۰ جلد منتشر کرده است.»

«میوزاشکوروازه»

«توسنده ادب‌پژوه»

«تایچیکستی محقق است»

«که فعالیت‌های بسیاری در قلمرو فرهنگ و ادب»

«کاشانه فرهنگ و ادب»

«فارسی شناری مقاله»

«توشته است.»

«وی در چنین انجمن»

«بین‌المللی در زمینه»

«پیوستگی‌های فرهنگی»

«آسای مرکزی و ایران»

«سخنرانی کرده است و عضو انجادهی نویسندگان»

«تایچیکستان و جمعیت»

«دوستی تایچیکستان با ایران»

«این کتاب فصل»

«ادبپندها، وادشت‌ها و»

«مشاهده‌های چند ساله و»

«نگاه بر مسائل ادبی و»

«تاریخی ایران است.»

«زبان و حور و ایربشم»

«از بیخ فصل»

«مشکل شده است که»

«دورنیه تمام آنها را تلاش»

«برای درخشش و ماندگی»

«پیوندهای فرهنگی میان»

«اقوام ایرانی دور بر می‌گیرد»

#### از دیدگاه استادان تئاتر

# زبان نمایش

سازان اقتصادیا

وقتی از زبان می‌گوییم و زبان تئاتر، اولین نکته‌ای که به ذهن می‌آید، دیالوگ و گفت‌وگو در نمایش است. هر از گاهی فراموشمان می‌شود که گفت‌وگوی شخصیت‌ها، قسمتی از زبان تئاتر است و تنها به متن (Text)مربوط می‌شود. اما در نمایش، علاوه بر متن یا میحث دیگری با عنوان فرامتن (subtext)هم روبه‌رو هستیم که مجموع این دو، باهم زبان تئاتر را شکل می‌دهند. زبان نمایش علاوه بر توصیف شخصیت‌های نمایشنامه، به انتقال مضمون هم کمک می‌کند. شاید بهتر باشد زبان نمایش را به گونه‌ای با سبک صاحب اثر ارتباط دهیم. نمایشنامه‌نویس و کارگردان، بنا به سلیقه ی شخصی و موضوع مورد نظر، زبان ویژه‌ای را برای نمایش خود برمی‌گزینند و این موضوعی است که پیش‌تر استادان و صاحب سبک‌های هنر تئاتر به آن معتقدند.

محمد رحمانیان، نویسنده و کارگردانی که نمایش‌های زیادی را تا به حال روی صحنه برده و مورد استقبال هم قرار گرفته است، درباره ی زبان نمایش می‌گوید: «اصولاً زبان به معنای گفت‌وگویی از عناصر تئاتر است و همه ی آن نیست. اما زبان تئاتری به مجموعه‌ی کنش‌ها و رفتارها، به میزاسن و سبک شخصی نویسنده هم برمی‌گردد. برای همین هم با شکل‌های مختلف زبان تئاتری و اشکال گونه‌گون گفت‌وگونیسی مواجه هستیم. چون هر کس براساس سبک و نوع کار خودش، زبان نمایش را تعریف می‌کند.»

رحمانیان، کارگردان نمایش‌های چون «خروس» و «قدمشاد مغرب» به عنوان مثال به سبک نوشتار چندنمایشنامه‌نویس اشاره می‌کند: «حدود صد و پنجاه سال پیش و زمانی که تئاتر ایران با غرب آشنا شد، میرزا جعفرخان قرچه‌داغی، در ترجمه ی آثارش تحت تأثیر مترجمان عرب قرار می‌گیرد و سعی می‌کند مخلوطی از اثر ادبیات مبارزه و تروریزمانه‌نگاری آن سال‌ها را باهم تلفیق کند. از همان زمان تا به حال، هر کس سبک خودش را در زبان تئاتری حفظ کرده است. مثلاً نحوه ی استفاده ی اکثر رادی از زبان با اسامیل خلیج متفاوت است. رادی به دیالوگ‌های شکل ی و محتشم‌وار زبان امروزی فکر می‌کند در صورتی که خلیج، به زبان مردم طبقات فرودست علاقه‌مند است. در کنار این دو، جنبه‌یضایی هم هست که زبانی غیر قراردادی را ارائه می‌کند و جنبه‌هایی از زبان امروز را در کنار زبان قاضر پیش از اسلام، بیان می‌کند.»

رحمانیان معتقد است که تمام شکل‌های مختلف دیالوگ‌نویسی در زبان نمایش مهم است و هر کس براساس سبک کاری‌اش، از زبان استفاده می‌کند.

سبک و سلیقه ی صاحب اثر، از نظر کارشناسان هنر تئاتر، به حدی اهمیت دارد که علی‌رغمی، کارگردان، مترجم و نویسنده‌ای که این اواخر نمایش «در مسمر برف نمی‌بارد» را روی صحنه برده بود نیز بر آن تأکید می‌کند. او در این باره توضیح می‌دهد: «آن چه جدا از موضوع و مضمون و بستر فرهنگی -اجتماعی‌ای که داستان در آن رخ می‌دهد به زبان تعین می‌بخشد. سلیقه ی نمایشنامه‌نویس است. ممکن است نمایشنامه‌نویسی مضمون تاریخی و اسطوره‌ای را مد نظر قرار دهد و براساس آن از زبان تاریخی استفاده کند. این موضوع به همان اندازه معتبر و قابل‌اهمیت است که یک تئاتر یا موضوعی اسطوره‌ای، با زبان امروزی بیان شود.

در این هنگام آن چه مهم جلوه می‌کند، تناسب کلام -وسلیه ی انتقال معنا- با زبان صحنه است.»

رغمی هم چنین درباره ی زبان صحنه می‌گوید: «صحنه، زبان خاصی دارد. مکتب‌ها، سبک‌ها، نقطه‌گذاری‌ها و حتی گردش کلمات در دهان بازیگران، تخصصی است که متأسفانه تعداد بسیاری از نویسندگان نمایشنامه و مترجمان از آن بی‌بهره‌اند. در صورتی که انتخاب زبان باید کارشناسانه و تئاترشناسانه انجام گیرد.»

گله‌ای که رغمی از پیش‌تر مترجمان نمایشنامه‌ها دارد درباره ی عدم آشنایی آن‌ها با سبک و زبان نویسنده ی اثر و حتی آشنایی ایشان با هنر تئاتر است؛ ترجمه ی تئاتر، تخصص می‌خواهد، هر کس که با زبانی خارجی آشنا باشد نمی‌تواند ترجمه ی مناسبی ارائه کند. پیش‌تر ترجمه‌هایی که من با آن‌ها مواجه می‌شوم فاقد زبان صحنه است. بدین معنی که مترجم هیچ گونه شناختی از نویسنده، تئاتر و زبان صحنه ندارد.»

به هر حال، هیچ یک از کارشناسان هنر تئاتر، با فنی بودن زبان فارسی مخالف نیستند اما عده‌ای از آنان معتقدند که

غضای زبان فارسی مربوط به سال‌های دور و دراز گذشته است و زبان فارسی امروز خصوصاً هنگامی که در تئاتر به کار

گرفته می‌شود، کم‌مایه و یک‌نواخت است.

فقط‌الدین صادقی، از نمایشنامه‌نویسان و کارگردان‌هایی که آثارش از نظر زبانی همیشه مورد توجه بوده است و همواره سبک خاصی را در نمایش‌هایش دنبال می‌کند درباره ی زبان امروز تئاتر می‌گوید: «این روزها، اغلب زبانی که مورد استفاده ی آثار نمایشی قرار می‌گیرد، زبان روزمره، یکسان و کم‌مایه‌ای است که اصلاً در لقای مفاهیم و مضامین موفق نیست. ما به تعداد دوره‌های تاریخی زبان داریم که باید به مناسبت‌های موضوعی مختلف، از آن‌ها استفاده کنیم.» او در ادامه ی صحبت‌هایش به ناآشنایی نسل جدید تئاتری با زبان دوره‌های پیشین اشاره می‌کند و در این باره توضیح می‌دهد: «متأسفانه نسل جوان ما از زبان دوره‌های تاریخی بی‌خبرند. استفاده ی آن‌ها از زبان امروزی بتایر عادت و فرغیزه است. استفاده ی نمایشنامه‌نویسان از زبان امروز آلدنبیده شده نیست. کار هنرمند شکستن عرف موجود و روزمرگی است و کار کردن روی زبان، یکی از این هنرهاست که متأسفانه نمایشنامه‌نویسان فقط به زبان امروز خود توجه نده‌اند.»

این کم‌مایگی و افشاشش در زبان، نکته‌ای است که حمید سمندریان نیز به آن معتقد است. او نیز اعتقاد دارد با وجود غضای زبان فارسی، هنوز نتوانسته‌ایم زبان تئاتر را به یک سرانجام قابل قبول برسانیم. سمندریان می‌گوید: «ادبیات، فی‌نفسه غنی است اما انتخاب درست آن برای زبان تئاتر سه‌ساله‌ای است که هم چنان مغشوش باقی مانده است.»

او هم چنین اعتقاد دارد که تعداد کمی از نمایشنامه‌نویسان ایرانی هستند که می‌توانند زبان مناسبی با موضوع و مضمون خاصی که مدنظر نویسنده است، انتخاب کنند؛ «تعداد افرادی که بتوانند زبان درستی را برای محتوای تئاتر انتخاب کنند، بسیار کم است. شاید فقط یضایی باشد که در این زمینه درست عمل می‌کند و بقیه انگار اصلاً هم خوانی زبان تئاتر را با محتوای آن ضروری نمی‌دانند. مثلاً اجراهایی هست که موضوع و زبانی کلاسیک دارد اما بازیگران کلام را با زبان شکسته ی فارسی امروز ادا می‌کنند و از به کارگیری زبان و چگونگی آن در شرایط مختلف، بی‌خبرند.»

آن چه از آرای استادان می‌توان دریافت، تأکید آن‌ها بر هم‌خوانی زبان نمایش با محتوای اثر است. زبانی که به علت گونه‌گونی آن در ادوار مختلف تاریخی، هر از گاهی مورد غفلت قرار می‌گیرد و شاید دلیل اصلی آن هم بی‌اطلاعی از زبان‌های تاریخی و توانایی در یکسان و یکسو کردن زبان صحنه با کلام باشد.





هاشم رجب‌زاده استاد دانشگاه اوساکای ژاپن پیش از دو دهه است که در طبع زاین است و در دانشگاه اطلاعات خارجی توکیو نیز به تدریس اشتغال دارد. رفته رفته به رجب‌زاده تاریخ ایران، ایلیخان و تاریخ ایران، فرهنگ و ادبیات زاین نیز علاقه‌مند است و آثاری نیز در این زمینه چاپ و منتشر کرده است. تازه‌ترین کتابی که با ترجمه وی از سوی بنیاد فرهنگیات دکتر محمود افشار به بازار آمد «ایران و ماوراءالنهر» اثر امیلی و برنشتایدر است که موضوع این گفت‌وگوی رو در رو بود است.

# ایران و ماوراءالنهر

گفت و گو با دکترهاشم رجب زاده

### سیار بایلی

تا الان چه آثاری از شما منتشر شده است؟

اولین کتاب من در واقع رساله دکترم بود که با نام آیین کشورداری، در وزارت رشیدالدین فضل‌الله همدانی به چاپ رسید. بعد از انتشار رساله بلافاصله به زاین رفته و شروع به تحقیق در فرهنگ و ادب زاین کردم که به صورت کتاب منتشر شد. روی هم ۳۰ عنوان کتاب و بیش از صد مقاله از من منتشر شده است. اولین کتابی هم که از فرهنگ زاین منتشر کردم، کتابی از «نائوسومه سوسوزکی» بود که نزد مردم زاین خیلی محبوب است. نام کتاب او یوتچان» بود که توسط انتشارات توس به بازار آمد. البته این نویسنده اثر دیگری هم دارد.

**گویا مجموعه شعری هم از انتشاراتی به فارسی ترجمه کرده‌اید؟**

بله، مجموعه شعری شامل ۱۵۰ قطعه شعر از حدود هفتاد شاعر انتخاب کردم. این شاعران جزو شاعران امروز زاین هستند. یعنی شاعرانی که بعد از تجد زاپنی انتشارشان منتشر شده است. در انتخاب شعرها گوش‌گوش کردم و روحیه و فرهنگ مردم زاین را

نشان دهم.

**در کارنامه شما ترجمه سفرنامه‌ها جایگاه ویژه‌ای دارد. توضیح می‌دهید؟**

کاری که به طور جدی در ترجمه آثار ژاپنی انجام داده‌ام، ترجمه سفرنامه‌های آنها بود. اولین کتاب در این زمینه سفرنامه یوشیدا، بود که توسط انتشارات قلمی رسومی منتشر شد. این سفرنامه کتابی است که به آن خیلی علاقه داشتم و با صرف وقت زیادی آن را ترجمه کردم. در ترجمه‌اش هم سعی کردم با توضیحاتی اوضاع اجتماعی و سیاسی قاجار روشن شود. شاید در سوم حجم کتاب توضیحات و شرح افزوده‌هاست. یوشیدا اولین سفری بود که در سال ۱۹۲۷ هجری شمسی از کشور زاین به ایران آمد. وی رئیس هیأتی غیررسمی اما فوق‌العاده تأثیرگذار بود. تقریباً در این هیأت مأمور سفارت زاین به نام فوکوگاوا، بود. سفرنامه فوکوگاوا هم آماده شده که زیر چاپ است. ناشر این اثر انجمن آثار و مفاخر فرهنگی است.

**سفرنامه‌های دیگری هم در دست انتشار دارید؟**

در سفرنامه در دست چاپ دارم که هر دو سفرنامه را دفتر پژوهش‌های فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر می‌کند. یکی سفرنامه و خاطرات اشی گاکاگا از اولین ایران‌شناسان ژاپنی است که در دوره پهلوی اول به ایران آمد. اتفاقاً کسی بود که مرا دیگر استادان زاین آشنا کرد. استادانی چون پرفسور کوریانگی و…خاطرات و یادداشت‌های اشی گاکا بسیار جالب و خواندنی است. این کتاب حجمی حدود ۱۶۰ صفحه دارد. کتاب دیگری که حجم زیادیتری دارد به نظر من از نظر شناخت تاریخ معاصر ایران مهتر است. سفرنامه و یادداشت‌های لیووه آن‌جی از مأموران وزارت خارجه زاین است که پیش از چهل سال با ایران سر و کار داشت. یعنی از سال ۱۹۱۲ به ایران آمد و به عنوان کارآموز وزارت خارجه زاین در دارالفنون درس خواند و در دانشکده ادبیات و دانشکده حقوق حضور پیدا کرد. به اسمفهان و سیساری او شهرهای مهم ایران سفر کرد. وضعیت اقامت او در ایران به گونه‌ای بود که بعد از دو سال خودش را نیمه ایرانی می‌دانست. من چون با او رابطه نزدیکی داشتم، وقتی برای تحقیقات فرهنگی به زاین رفتم، هفته‌ای یکبار به همراه دوستان دیگری از جمله رئیس انجمن فرهنگی ایران و زاین قرار ملاقات و نشست داشتم. پسرش خاطرات و یادداشت‌هایش را در زاین منتشر کرد که حاصل این

کار در ۲۵ فصل به همراه چهار فصل ضمیمه، درباره روابط فرهنگی و سیاسی ایران و زاین گردآمده است. بعضی از مطالب این سفرنامه در هیچ منبعی ذکر نشده است. سفرنامه اینووه‌ای جی از دوره پهلوی اول تا دوران بعد از انقلاب است.

**آقای دکتر سفرنامه‌هایی که شما ترجمه کرده‌اید، چه ویژگی‌هایی دارند؟**

اولاً این افراد خاطرات خود را نوشته‌اند چون اگر بعداً بنشینند و محفوظات ذهنی خود استفاده کنند مثل خاطرات برخی از رجال ایران می‌شود که هیچ ارزش تاریخی و تحقیقی ندارند. چرا که برخی مطالب را فراموش کرده‌اند و برخی مطالب را از خودشان ساخته و پریمی مطالب را برای تزیین خودشان تحریف کرده‌اند. خاطرات نویسی واقعی آن خاطراتی است که براساس یادداشت‌ها در زمان وقوع رویدادها ثبت شده باشند. نسل گذشته زاپنی‌ها دفتر روزانه داشتند، وقتی دوران خدمتشان سپری می‌شد، آن خاطرات را منتشر می‌کردند. مثلاً یکی از سفیران زاین که سفرنامه بسیار جالبی هم دارد، «کازامااست که در سال‌های ۱۳۱۰ سفیر زاین در ایران شد. کازاما علاوه بر اینکه سیاستمدار بزرگی بود، شرق‌شناس منجری هم بود و شاید از اولین کسانی باشد که به صورت تحلیلی و علمی مطرح کرد که یکی از مباح‌های تمدنی زاین از ایران گرفته شده است. این فرضیه امروز بیشتر تقویت شده و هر چه زمان می‌گذرد صحت ادعایش بیشتر به اثبات می‌رسد.

**در این مورد بیشتر توضیح می‌دهید؟**

کازاماطی تحقیقاتش مترجمه شد. سیساری از نامها در آثار ژاپنی و ایرانی به هم شباهت دارند و به این نتیجه رسید که فرهنگ این نامها از ایران به زاین رفته است. که امروز لابلای باستانشناسی و آثار مشکوفه صحت نظریاتش اثبات می‌کند. سفرنامه اوبیسارحالب است و قرار است ترجمه آن از انجمن آثار و مفاخر فرهنگی منتشر کند.

### ♦ دکترهاشم رجب زاده: دو سفرنامه در دست چاپ دارم

**آقای دکتر چه شد که به سراغ ترجمه کتاب «ایران و ماوراءالنهر» اثر امیلی و برنشتایدر رفید؟**

این کتاب را آقای ایرج افشار به من معرفی کردند. من هم وقتی آن را خواندم مجذوبش شدم. علت پیشنهاد آقای افشار اطلاع ایشان از تخصص من در زمینه «عصر ایلیخانیان» بود. این کتاب هم به شرق آسیا مربوط می‌شود و هم به جنگ‌های جهانگشای چنگیز و آمدن هلاکو به ایران و تأسیس سلسله ایلیخانان.

**برنشتایدر در این کتاب به چه مسائلی می‌پردازد؟**

یک قسمت از این کتاب بررسی منابع تاریخی و جغرافیایی چینی، ایرانی و اسلامی است که مهم‌ترین منابع تاریخی و جغرافیایی را معرفی می‌کند. منتها یک معرفی انتقادی. نظر او هم نظر بسیار روشنی است در واقع با پیش حساب شده این منابع را از جنبه‌های مختلف ارزیابی می‌کند. موضوع دیگری که در این کتاب مطرح می‌شود مطالب جغرافیایی است.

برنشتایدر همه شهرهای پررونق آن زمان را در این کتاب معرفی می‌کند و اینکه این شهرها چه محصولاتی دارد و مردمش چطور زندگی می‌کنند، چطور لباس می‌پوشند و غذا می‌خورند.

**برنشتایدر به آثار رشیدالدین فضل‌الله و امثال او بسیار تکیه می‌کند. بفرمایید نویسنده این کتاب چگونه رشیدالدین فضل‌الله آشنا بوده و علت تأکیدش بر آثار این ایرانی چیست؟**

برنشتایدر معتقد است که جامع اترواحی دیگری هم به عالم است. این حرف را البته اروپایی‌های دیگری هم به مناسبت‌های مختلف گفته‌اند. پس این حرف که می‌گویند شرقی‌ها عادت به نوشتن تاریخ نداشتند، درست نیست چون اگر به شرق دور برویم، چینی‌ها از دو هزار و چندسال پیش تاریخ بکتوب، روزانه و با زاپنی‌ها از هزار و پانصد سال پیش تاریخ‌نامه روزانه می‌نوشتند و روز به روز وقایع را ثبت می‌کردند.

**فرموده تاریخ ایران و زاین و انتقال فرهنگ ایران به زاین هم توضیح می‌دهید؟**

تاریخنامه‌های بسیار قدیم زاپنی در قرون پنجم و ششم



درباره اینکه عده‌ای دچار کشش شکستگی شدند و در ساحل زاین پیاده شدند و برخی استدلال کردند که از تخارستان یا افغانستان امروز بودند و تمدن ایران راه آنجا بودند. اولین معدنی که در پایتخت قدیم زاین ساخته شد به دست صنعتگران و معماران ایرانی بود. طی سال‌های اخیر مقالات متعددی که پرفسور امیوت نوشته، ثابت کرده که از منظر زایشناسی و باستان‌شناسی و تاریخی این تمدن از ایران به زاین رسیده است. خود برنشتایدر وقتی درباره آثار رشیدالدین فضل‌الله حرف می‌زند می‌گوید مرد بزرگی بود و بزرگ‌ترین تاریخ عالم را نوشته است و درباره اعتبار مطالب جامع اترواحی تاریخ هیچ تردیدی به خود راه نمی‌دهد. چون همه منابع تاریخی شرق دور و غرب آسیا و منابع اروپایی را دیده بود.

**برنشتایدر آثار دیگری هم دارد و به حوزه بسیار علاقه‌مند بوده یکی حوزه تاریخ و دیگری هم حوزه گیاه‌شناسی، که درباره نباتات چین تحقیقات گسترده‌ای داشت. کتاب‌های متعددی هم در این زمینه نوشت، یکی از این آثار همین کتاب «ایران و ماوراءالنهر» است که با عنوان تحقیق‌هایی درباره منابع چینی درباره دوره‌های میانه انتشار شده است.**

**درباره دوره‌های میانه آثاری دیگری هم هست که به همین موارد اشاره داشته باشد؟**
درباره آن مقطع البته مغول شناسان و کسانی که پیرامون امپراتوری مغول تحقیق کرده بودند در اروپا آثار متعددی دارند و تحقیقات جالبی کرده‌اند.

ولی کسی که این احاطه و تسلط را بخصوص در زبان چینی و منابع چینی داشته باشد و به زبان عربی و زبان‌های اروپایی هم تسلط داشته باشد، وجود نداشت. معطایان این کتاب غیر از پژوهشگران و مورخان دیگر چه کسانی می‌توانته باشند؟

من خیال می‌کنم هر کسی سطح سوادی در حد بالاتر از معمول و بخواد اطلاعاتی در زمینه کردن ایران داشته باشد از این کتاب استفاده کند. چون عموماً مردم ما زاپنی‌ها را مردمی می‌شناسند که تلویزیون‌های خوبی می‌سازند و بعضی از وسایلی الکتریکی را با مهارت می‌سازند. درباره مردم هم به همین شکل. در این کتاب، پیشینه و سابقه همه شهرهای اسلامی در ایران داده شده است.

**گویا کتاب دیگری هم با عنوان «سیئو اراتیکا» در دست چاپ دارید؟**

سیئو اراتیکا هم کتابی است که تقریباً دهه کتاب ایران و ماوراءالنهر، می‌خواند. باشد این کتاب را یک سوئادی به اسم لوفور نوشته که متأسفانه در ایران کمتر راین اثر شناخته‌شد. در سال‌ه که از این کتاب می‌توان استفاده‌های فراوانی برد. بخصوص برای تحقیق درباره ایران‌ستانان و مفاخر زندگی مادی

**سیئو اراتیکا کی منتشر می‌شود؟**

من الان دست که داشته چون اطلاع داند که کسی دیگر این کتاب را ترجمه کرده و به ناشری سپرده است. من منتظر می‌مانم تا این کتاب منتشر شود. اگر ترجمه خوبی از آن شده باشد که دلیلی ندارد من هم آن را ترجمه کنبد. اگر ترجمه‌اش به صورتی است که لازم باشد ترجمه مجددی از آن بشود من اقدام خواهم کرد. لوفور نویسنده این کتاب یک شرق‌شناس و زبان‌شناس سرشناس است.

**گفت‌وگو با دکترهاشم رجب‌زاده**
شبه ۲۹ مهر ۱۳۹۲
۷



## رویا ملکی

وای، این درها از دیروز تا امروز صدای شان بلند شده، هی هیو دیگه را می‌گویند که نینفند، سوز می‌دمد، دیگه درها هم هم دیگه را به خوبی به آغوش نمی‌کشند. طفلکی… چای هم سرد شد. بهاهام! لُز گرفته‌اند. یک استغلی می‌آورم برای ضعیف بهاهام و کُفم را به زانو می‌سوارم. اوراقِ نه چندان بهادارم را از حلقوم کُیفه نیرون می‌کشم و به دنبال خود کار آن را زیر و رو می‌کنم. آه! این خودکار لغتی هنوز به انگشت من زور می‌دهد. آرام تر

گرفته‌ام چشم‌هایم می‌دود به دنبال آن‌هایی که برای چهارمین مجموع بین‌المللی استادان زبان و ادبیات فارسی به میهمانی ایران آمده‌اند، از سرزمین‌های بسیار گذشته‌اند، از آسمان‌های بلند، تیرازه به دنبال نمی‌دام تکه شعری یا پاره واژه‌ای.

جان لایبی! نفس می‌کشد از نبود همه میهمانان گروهی به بازارها سرک کشیده‌اند و دیگران به میدان انقلاب دویده‌اند، پیرته‌ها هنوز به ترجیح استراحت از بازدید گذشته‌اند و چند تنی مانده‌اند.

باز هم سرما به جانم می‌زند. دستام زیر بغل قابم می‌شویند و گوشه‌ای می‌گیرم و چشم می‌گذارم بر صندلی‌های راحت لایب آن‌گاه که فشار جغای بالشت‌اش تا نه فرمی رود و مدت‌ها خفتم می‌شود. روی دیوار عفر به‌های کوچک و بزرگ از بی هم می‌روند و من منتظر رسیدن عفر به ی بلند به کوچک عفر به هستم تا نزدیک وقت ناهار میهمانان را ببینم.

# آن سوتر از میز من

# فنجانی منتظر یک قلب گپ

**میهمانی از نواف غرب**

با عینکی نه چندان ظریف برای بهتر دیدن دنیا، گونه‌هاهی تراشیده و چهره‌ای که از خستگی راه به ضعف نشسته. کشش روی پاهایش دراز کشیده بود و من برای این بلندمرد آمریکایی تباریج ساعتی وقت گذاشتم.

فرانکلین لوئیس، استاد ۳۲ ساله زبان فارسی، کارت شناسایی‌اش را که می‌بینم به اعتراضی نه چندان بلند می‌گوید: «درخواست کردم اسم مرا با حمزه بنویسند ولی گفتند کامپیوتر حمزه را نایب نمی‌کند» و بعد به نیشخندی پسندم می‌کند. باز هم به آرامی با آهنگ یکناوخت صدایش در خصوص منش می‌گوید: «شما سؤال‌های شخصی می‌پرسید؟» لوئیس ۲۲ سال پیش به زبان فارسی دل سپرد و در رشته ی تمدن و زبان‌های خاور نزدیک درجه ی کارشناسی گرفت. پدربزرگش او را به فارسی علاقه‌مند کرد با زمره ترجمه‌های اشعار خیام از فارسی به انگلیسی. درست قرنی پیش که هنوز انجمن‌های خیام‌شناسی در شعرهای انگلیسی زبان فعال بودند چند فرانکلین اشعار خیام را می‌شنید و با گوش دل به یاد می‌سپرد و برای نوه آرامش زمره می‌گرفت. او از همان سال‌های ابتدای زندگی اش با شعر فارسی خو گرفت. در دوران دبیرستان، با چند خانواده‌ی ایرانی آشنا شد و با آداب و سنن آن‌ها نزدیک گرفت. به اعتقاد فرانکلین شعر فارسی و فلسفه‌ی عرفانی او دیدگاه فلسفه‌ی آمریکایک پدیده است.

فرانکلین سال‌های نه چندان دور به دخترکی، از تاج مشرق‌زمین دل سپرد. دختری ایرانی تبار که پوند زناشویی خود را با او بست. نمی‌دانم، شاید هم بدانم، به چه دلیل یا هر دلیل او فارسی را فکشتگ ترین، زیباترین و پرمعنائترین زبان دنیا می‌داند. ایران برای فرانکلین استاد آمریکایی زبان فارسی بسیار دیدنی است مخصوصاً که او برای اولین بار است که به ایران سفر می‌کند.

می‌گوید که مشتاق است شیراز را ببیند. امفهان را، همان نصف جهان ایران را تا یادیدن نصف جهان دیگر، جهانگردی‌اش کامل شود.

با لهجه‌ای کُج گرفته از آمریکایی، ایرانی در خصوص فرهنگ و آداب و رسوم ایرانی می‌گوید: «توروز خیلی می‌جسه» او به خاطر همسرش براسم توروز زاهر سال برپایمی‌کند. مدرس دانشگاه‌فموری (Emory) قسم می‌خورد که کودکی آرامی را پشت سر گذاشته و هرگز به بازیگوشی نُن نداده است. ولی ظرافت صحبت‌هایش، زیرکی پاسخ‌هایش و چشمت‌های رنگ گرفته‌اش پشت‌تاق نشین‌های؛ بر ساد‌ه‌پوشی و سادت بودنش صحنه می‌گذارد بی حوصلگی در حرف‌هایش به خسته بودنش قوت می‌دهد.

**مصاحبه‌ای که انجام شد**

آن سوتر از میز من و مرد آمریکایی، عرب زبانتالی از سرزمین‌های عراق، اردن و سوریه به گفت و گو نشسته بودند. در مرد و بانویی وزن دار، مردها را می‌شناختم دو استاد از اردن که یکی عراقی بود و استاد میهمان اردن. از میز مصاحبه با فرانکلین لوئیس دل‌کندم و گریزی زدم به تک صندلی خالی میز دوم. سلامی کردم و با لهجه‌هایی متفاوت «علیکم السلام» گرفتم.

بانویی جوان با چاق‌رقدی تقشدار که صورت کرد و چشم‌هایش ریزش را قاب گرفته بود، نیمی از ایرو و نیمی از چشم نیمی از گونه‌ای نه چنان لاغرش تمام آنچه بود که بدن پوش منگی بلند همچون ردا که به سختی به تنش خوانده شده بود و کیف بلند بندنی به رنگ چارقد سیاه، با او از روی مهر به احوال‌پرسی نشستیم و خود را معرفی کرد. آنی نگذاشت، که دستتازن راهی سرعت نکاد داد و به تکرار «لا اله الا هو» می‌وزید. از مصاحبه گریزان بود، زخم خورده از روزنامه‌نگاری دیگر بود، به غریب به دوستان اردنی و عراقی‌اش توضیح داد که چه اتفاقی افتاده است و چه بلایی سر صحبت‌هایش آمده است. خواشتم هم به جایی ترسید و آن چه ماند، برگه‌های سبید من بود که حتی به نامش اندا حسودن (از سوریه زینت نگرفت.

**دیگر میهمانی از سرزمین هند**

۹۵ساله است نمی‌دانم خوب می‌شود یا نه ولی من هم سؤال را چند بار تکرار می‌کنم، ریس بخش فارسی زبان دانشگاه

بنا در هند. لباسی از رنگ شکلات پوشیده بود، از نوع مردانه هندی با عینکی بزرگ که دو سوم شاید یک سوم صورتش را پوشانده بود. وقتی نشست ناخودآگاه چشمانم به نقوشی جیب‌هایش افتاد. یک دفتر فرمزنگ سببی، اما کوچک به اندازه‌ی یک جیب بغل و خودکار و کلمی کاغذ و کارت دیگر. خجالت‌کشیدم به تکناش دیگر. تیرنگ آستین‌هایش نارنج را که پوشیده شده بود از تاره‌های نسبتاًبلند موم‌نایش من داد و این استاد ۵۹ساله به سختی زبان به فارسی می‌چرخاند. سه بار به ایران سفر کرده است. اول ۲۹سال گذشته زمانی که استادپار بود و سپس سیل و قیل و حال امسال به بهانه چهارمین مجمع بین‌المللی استادان زبان و ادبیات فارسی ایران را به خاطر مردمش. درباره خاطر حافظ و سعدی و مرمتش و تکیه‌کاغذی خواهش می‌کنم، «چشم» «قربون شما» و دست شما درد نگیرد» را برگزیده است. ولی زبان فارسی را غنی تر از زبان‌های دیگر می‌داند. از کودکی خود که در خصوص از اشتیاق به ادبیات زبان فارسی گذشت. گلستان را بیشتر از شاهنامه می‌پسندد و حافظ را از مولوی. ۲۲سال پیش کتاب قیل از اسلام را نوشت و در پایان می‌گوید: «ایران بیفت دوست دارم». شاید به درازا می‌کشید صحبت ما یا همان علم دانشگاه هند اگر او نمی‌خواست با گروه هم‌راه هندویش برای دیدن تهران روی صندلی اتوبوس ها بنشیند.

**«ایکشته سواری که پول نامی داد**

«شریف حسین قاسمی» با مشخصه‌ای که حتی او را از پشت هم در بین هندوهایشان می‌زد، صوت صدایی رسا، با کلمات شمرده و خاص فارسی. ۶۰ساله‌ای که به چشمانش عادت جنگ داده است. سوخته صورتی هندو، که اعتراف می‌کند کودکی بسیار قبیطان بوده است. گت و شلواری مرتب به تن پوشانده. ولی یاز هم در این پوشش نمی‌شود ذهن بازیگوشش را در قالب گرفت. می‌گوید از کودکی اش که چگونه «ایکشته» سوار (وای غری دورخچه که دو نفر سوار و یک نفر را) را می‌کشند. رایج در کشور هند، پاکستان (و…) را بر سر کوجه ساعت‌ها منظم می‌گذاشت. می‌گوید: «ایکشته» داخل کوجه‌های هند نمی‌شود. و ما برای این که سوار آن شویم باید دو رویه پرداخت می‌کردیم. من به صاحب ایکشته می‌گفتم پدر بزرگ و مادری بزرگم می‌خواند به مسجد با خرید بریند و باید او را با خود ببریم سوار می‌شدم و اول کوجه به بهانه آوردن مادری بزرگ و پدر بزرگم می‌گریختم و ایکش‌سوار ساعت‌ها به هوای بازگشت من می‌نلشت.»

و آن پسرک تافته صورت بازیگوش حالا استاد دانشکده زبان و ادبیات فارسی است. صاحب ده‌ها جلد کتاب و تفکری ویژه. بارها به ایران سفر کرده ولی از آن زمان به فارسی دل داده است که در حله‌ای اردو زبان چشم‌گشود و از کلاس پنجم به تحصیل درس فارسی زمان سپرد. می‌گوید خانواده‌اش متوجه‌ی اهمیت فرهنگ فارسی بوده‌اند. و فرهنگ فارسی در هند در برخی خانواده‌های مسلمان تأثیر زیادی دارد. اگر زبان مادری‌اش اردو بود، فارسی را زبان اول می‌گوید. و خشود است که همسری علاقه‌مند به زبان فارسی اختیار کرده است. همسر شریف حسین قاسمی نیز از استادان زبان فارسی در هند است. شیراز و امفهان مورد علاقه‌ی این مرد هندوست. همه‌ی شعرای معروف را می‌پسندد ولی خاقانی و فردوسی و حافظ و سعدی را بیش تر. کتاب گلستان سعدی را کتابی بین‌المللی می‌داند و بر این ضرب المثل هندی تأکید می‌کند فارسی شکر است.»

**اقبال شناسی از ایران زمین**

با به شصت‌ساله‌ای جوان دل. چارخانه پوش پیراهن، و ساد‌ه شلواری به پا یا صورتی باز و کلمی گانه گرفته. شبرینی ساختن به دل بند می‌گرفت و صمیمانه‌اش ایرانیش را مهر تأیید می‌خورد. تکیه داده بود بر راحتی‌های لایبی که با آن جهاو زیاد هم راحت نبود. صمیم که زرد رنگ ایرانی الاصلی به گوش نیشست، دوستانش را به معرفی پرداخت سه مرد، از پاکستان. آن‌ها را استاد می‌خواند ولی خودش استادتر می‌مانست. دو



## دیدار های متفاوت

گزارش ویژه



حاضر باشم که با شما دیدار کنم. این دیدارها بسیار مهم است. من می‌دانم که شما برای من بسیار ارزشمند هستید. من می‌دانم که شما برای من بسیار ارزشمند هستید. من می‌دانم که شما برای من بسیار ارزشمند هستید. من می‌دانم که شما برای من بسیار ارزشمند هستید.

**شعرهای عشقی رامی بسندم**  
تجم الرشد، استاد ۳۵ ساله‌ی پنجابی که او هم از پاکستان می‌باشد. سه سال گذشته فارغ‌التحصیل دکتری شده و سال ۱۹۹۲ کارشناسی ارشدش را از دانشگاه پنجاب لاهور گرفته است. می‌گوید: معاون سردبیر مجله «دانش» بوده. رساله‌اش را در باب نقد شعر فارسی ارائه کرده است. از خانواده‌ای اصیل، که پدر و پدر بزرگش نیز به فارسی‌جهان می‌دانند. پدر بزرگ تجم الرشد، کتاب‌هایی به فارسی در باب «عقب‌نوشته بود» خود را متعلق به زبان و ادبیات فارسی می‌داند. از او در خصوص تدریس می‌پرسم: شاکردانش به ادبیات فارسی در شبه قاره، آشنا هستند. سعدی، حافظ و مولوی را می‌شناسد و با آثار آن‌ها آشنا هستند. او به احترام می‌گوید: دو شعر در کشورش به نام «گشتان» و «ایستادن» نام گرفته است. شاکرهاهایی از سعدی. این جوان استاد از دانشگاه‌ها می‌گوید، که چقدر بر میزان ورودی‌شان افتخار کرده شده از شاکردانی که به ادبیات فارسی عشق می‌ورزند و در آن تحقیق می‌کنند.

مقایسه می‌کنند، زمانی را که در پاکستان تنها یک دانشگاه فارسی تدریس می‌کرد و در حال حاضر ۸ دانشگاه از مرحله‌ی کارشناسی تا دکتری زبان فارسی را به تدریس دارند. از ۳۰ هزار دانشجویی که در سطح دیپلم به آموزش زبان فارسی زمان می‌گذرانند، می‌گوید، ولادت می‌برد. این استاد پاکستانی، که صورتش به گردی نقش نداشت پیراهن خوش رنگش طایفه‌ی جگری رنگ بود و همین بر سیاهی صورتش می‌افزود.

او تأثیر فارسی و فرهنگ ایرانی را در شبه قاره زیاد می‌داند. اتری قوی که روز به روز نمو می‌کند. به مشترکات زبان فارسی و هندی و اردو می‌پردازد و معتقد است: «پاکستانی‌ها، پیش‌تر به فارسی گرایش دارند تا هند. به جای «صلاط» هندی زبانان، «نماز» را می‌خوانند. ناهید، را از فارسی اسم گرفته‌اند و به برتری زبان فارسی نسبت به دیگر زبانان اعتقاد دارند. این استاد جوان پاکستانی همه‌ی شاعران را دوست دارد. ولی بیشتر جان به شعر عشقی می‌سپارد. گلستان می‌خواند و زبان مادری خود پنجاب را می‌پسندد. ولی از نام‌های ایرانی «ادبیا» و «مهبین» را می‌گزیند.

**اسم «آزادی» و دوست دارم**  
«محمدناصر» ۳۱ ساله، از پاکستان، ۲۰ سالگی کارشناسی علوم خود را گرفت. و در یک تعطیلات تیلستانی در کلاس‌های فارسی خانه فرهنگ لاهور شرکت کرد. گذشت یک سال از این آموزش او را ذوقی به زبان و ادبیات فارسی کرد. او دوباره به فکر شرکت در مرحله‌ی کارشناسی فرورفت. در سال ۱۳۲۲ در دانشگاه اصفهان به پایان رسید. محمد کاظم تهرانی فرهنگ ایرانی لاهور شد و شروع به تدریس فارسی کرد. سپس به درجه‌ی استادی در دانشگاه مولی نائل شد. ابتدا در دانشگاه‌های تهران و سپس به دانشگاه‌های پنجاب بازگشت. همسرش هم کارشناسی ارشد زبان فارسی دارد و به این زبان علاقه‌مند است.

مزایای آموختن زبان فارسی برای محمد، آشنایی او با همسرش در این کلاس بود. محمد عاشق، غزل‌های مولوی است. می‌گوید: «اگر غزل‌های مولوی را نتواند بدم هرگز به زبان فارسی روی

جوان و یکی نه چنان جوان که لباس خاص به تن داشت. تن پوشی از جنس لباس‌های پاکستان. جایی برای من نبود دور میز چهار نفره‌ی آن‌ها. و من آن دور گوش سپرده بودم به دل‌نشین صحبت‌هایشان. به دعوتی آن‌ها را باقی بردم از جنس شیشه، پارچه‌های ایرانی که در رنگ استخوان ردیف نشسته و من کمک گرفتم از مسئولی چرخ‌داری برای در مقابل نشستن آن‌ها. دکتر محمد یقینی (ماکان) از کنفرانس جهانی اقبال شناسی در لاهور گفت، کنفرانسی که ۷۰ نفر از اقبال‌شناسان دنیا آن جا بودند و او به نامداری ایران آن‌جا، حضور داشت. با دستي پراز تألیف و ترجمه ۲۰ جلد کتاب در شأن اقبال.

پای نه چندان هر چه به گفته‌هایش گذاشتم. استاد آیا کتابی در خصوص زبان فارسی هم ترجمه تا تألیف کرده‌اید؟ جوابی از نوع مثبت: ۱۵۲ اثر در حوزه‌ی فلسفه، ادبیات فارسی و دین که ۲۰ اثر آن تحقیق اقبال است. به اعتقاد «ماکان» زندگی اقبال نیاز به بررسی و تحقیق پیش‌تر دارد و هنوز زوایایی از زندگی او در ابهام است. اقبال در کشورهای ایران و پاکستان در لفافه‌ای پیچیده شده است، لفافه در جبهه‌ای قرار گرفته و جبهه در ویرینی نشسته است و هیچ کس از زیبایی این گوهر خیر ندارد که این‌ها راه من نگفتم، ماکان استاد زبان فارسی و اقبال‌شناسی گفت.

به سؤال بعدی می‌رسد: نیکه کلام چیست، مکتب می‌گیرد و می‌گوید کاربرد نیکه کلام در زبان فارسی مشکل دارد. کلمه تکراری برای پوشاندن نقص بیان است. نیکه کلام به زیبایی ساختار زبان فارسی لطیف می‌زند.

از زبان فارسی را بر اثر این واژه‌ها و تکرار کلام‌ها می‌داند و زبان فارسی را این گونه نشیبه می‌کند: «بلی یکدست و یکساخت از اعمار گذشته که سنتی از آن بر کرده فردوسی قرار دارد و می‌آن که پایه‌ی دیگری داشته باشد هزار سال طی طریق کرده و سال‌های بعد بلی و پایه‌ی بعدی بر شانه‌ی دهخدا نهاده شده است.»

وی می‌گوید: استواری زبان فارسی به دو فرد برجسته برمی‌گردد اول فردوسی سپس دهخدا. ماکان کار اجتماعی را بارزنامه‌نگاری آغاز کرد و با جراحی برنامه‌های تلویزیونی افامه داد. می‌گوید هر شاخه و رشته‌ای را تجربه داشته است.

از سال ۱۳۲۱ به زبان فارسی اهتمام ورزید و از سال ۱۳۲۸ تا ۱۳۵۶ با عنوان نویسنده و مجری برنامه‌های مستقلی برای رادیوی ۲، تهیه و پخش کرده است. ۲ هزار برنامه یک ساعت، می‌گوید: نمی‌تواند از ترانه و نیمی از زمانه به اثر برسد. پدرش اهل تهران و مادرش مازندرانی است. ماکان همان استاد بازرگوشی است که حتی در ۳ سالگی به ساختن خیرهای جعلی در خانه و فروختن آن در زینبیل کرمزنگ مادرش معروف بوده است. او این شیوه را از پیرمردی آموخت که روزنامه‌های اطلاعات و کیهان را در زینبیل پلاستیکی خود در کوچه فریاد می‌کرد.

**تیران راهم چون اسلام آبادی می‌شناسم**  
از دوستان ماکان بود. هم سن او، ولی نمایی سالخورده‌تر داشت. ۵۹ ساله‌ای که دوستانار تحصیل در رشته‌ی اقتصاد بود. ولی به قول خودش شهرستانی بودنش فرصت اقتصاددان شدن را از او گرفت. جنگ ۱۹۷۵ پاکستان و هند، در ماه سپتامبر، او را از کیش‌گام در دانشگاه دور انداخت و او هرگز نتوانست در دانشگاه لاهور به تحصیل اقتصاد بپردازد. به ناچار به انتخاب دومین زبان فارسی گرایش یافت. و تنها به دلیل معدل بالايش پذیرفته شد. پس از تعطیلات از طریق امتحان ۱۹۶۹ میلادی بورسیه تحصیلی گرفت و وارد دانشگاه تهران شد تا دکتری خود را در رشته‌ی زبان فارسی اخذ کند.

محمد ناصر ۳۱ ساله، از پاکستان، ۲۰ سالگی کارشناسی علوم خود را گرفت. و در یک تعطیلات تیلستانی در کلاس‌های فارسی خانه فرهنگ لاهور شرکت کرد. گذشت یک سال از این آموزش او را ذوقی به زبان و ادبیات فارسی کرد. او دوباره به فکر شرکت در مرحله‌ی کارشناسی فرورفت. در سال ۱۳۲۲ در دانشگاه اصفهان به پایان رسید. محمد کاظم تهرانی فرهنگ ایرانی لاهور شد و شروع به تدریس فارسی کرد. سپس به درجه‌ی استادی در دانشگاه مولی نائل شد. ابتدا در دانشگاه‌های تهران و سپس به دانشگاه‌های پنجاب بازگشت. همسرش هم کارشناسی ارشد زبان فارسی دارد و به این زبان علاقه‌مند است.

مزایای آموختن زبان فارسی برای محمد، آشنایی او با همسرش در این کلاس بود. محمد عاشق، غزل‌های مولوی است. می‌گوید: «اگر غزل‌های مولوی را نتواند بدم هرگز به زبان فارسی روی جوان و یکی نه چنان جوان که لباس خاص به تن داشت. تن پوشی از جنس لباس‌های پاکستان. جایی برای من نبود دور میز چهار نفره‌ی آن‌ها. و من آن دور گوش سپرده بودم به دل‌نشین صحبت‌هایشان. به دعوتی آن‌ها را باقی بردم از جنس شیشه، پارچه‌های ایرانی که در رنگ استخوان ردیف نشسته و من کمک گرفتم از مسئولی چرخ‌داری برای در مقابل نشستن آن‌ها. دکتر محمد یقینی (ماکان) از کنفرانس جهانی اقبال شناسی در لاهور گفت، کنفرانسی که ۷۰ نفر از اقبال‌شناسان دنیا آن جا بودند و او به نامداری ایران آن‌جا، حضور داشت. با دستي پراز تألیف و ترجمه ۲۰ جلد کتاب در شأن اقبال.

پای نه چندان هر چه به گفته‌هایش گذاشتم. استاد آیا کتابی در خصوص زبان فارسی هم ترجمه تا تألیف کرده‌اید؟ جوابی از نوع مثبت: ۱۵۲ اثر در حوزه‌ی فلسفه، ادبیات فارسی و دین که ۲۰ اثر آن تحقیق اقبال است. به اعتقاد «ماکان» زندگی اقبال نیاز به بررسی و تحقیق پیش‌تر دارد و هنوز زوایایی از زندگی او در ابهام است. اقبال در کشورهای ایران و پاکستان در لفافه‌ای پیچیده شده است، لفافه در جبهه‌ای قرار گرفته و جبهه در ویرینی نشسته است و هیچ کس از زیبایی این گوهر خیر ندارد که این‌ها راه من نگفتم، ماکان استاد زبان فارسی و اقبال‌شناسی گفت.

به سؤال بعدی می‌رسد: نیکه کلام چیست، مکتب می‌گیرد و می‌گوید کاربرد نیکه کلام در زبان فارسی مشکل دارد. کلمه تکراری برای پوشاندن نقص بیان است. نیکه کلام به زیبایی ساختار زبان فارسی لطیف می‌زند.

از زبان فارسی را بر اثر این واژه‌ها و تکرار کلام‌ها می‌داند و زبان فارسی را این گونه نشیبه می‌کند: «بلی یکدست و یکساخت از اعمار گذشته که سنتی از آن بر کرده فردوسی قرار دارد و می‌آن که پایه‌ی دیگری داشته باشد هزار سال طی طریق کرده و سال‌های بعد بلی و پایه‌ی بعدی بر شانه‌ی دهخدا نهاده شده است.»

وی می‌گوید: استواری زبان فارسی به دو فرد برجسته برمی‌گردد اول فردوسی سپس دهخدا. ماکان کار اجتماعی را بارزنامه‌نگاری آغاز کرد و با جراحی برنامه‌های تلویزیونی افامه داد. می‌گوید هر شاخه و رشته‌ای را تجربه داشته است.

از سال ۱۳۲۱ به زبان فارسی اهتمام ورزید و از سال ۱۳۲۸ تا ۱۳۵۶ با عنوان نویسنده و مجری برنامه‌های مستقلی برای رادیوی ۲، تهیه و پخش کرده است. ۲ هزار برنامه یک ساعت، می‌گوید: نمی‌تواند از ترانه و نیمی از زمانه به اثر برسد. پدرش اهل تهران و مادرش مازندرانی است. ماکان همان استاد بازرگوشی است که حتی در ۳ سالگی به ساختن خیرهای جعلی در خانه و فروختن آن در زینبیل کرمزنگ مادرش معروف بوده است. او این شیوه را از پیرمردی آموخت که روزنامه‌های اطلاعات و کیهان را در زینبیل پلاستیکی خود در کوچه فریاد می‌کرد.

**تیران راهم چون اسلام آبادی می‌شناسم**  
از دوستان ماکان بود. هم سن او، ولی نمایی سالخورده‌تر داشت. ۵۹ ساله‌ای که دوستانار تحصیل در رشته‌ی اقتصاد بود. ولی به قول خودش شهرستانی بودنش فرصت اقتصاددان شدن را از او گرفت. جنگ ۱۹۷۵ پاکستان و هند، در ماه سپتامبر، او را از کیش‌گام در دانشگاه دور انداخت و او هرگز نتوانست در دانشگاه لاهور به تحصیل اقتصاد بپردازد. به ناچار به انتخاب دومین زبان فارسی گرایش یافت. و تنها به دلیل معدل بالايش پذیرفته شد. پس از تعطیلات از طریق امتحان ۱۹۶۹ میلادی بورسیه تحصیلی گرفت و وارد دانشگاه تهران شد تا دکتری خود را در رشته‌ی زبان فارسی اخذ کند.

محمد ناصر ۳۱ ساله، از پاکستان، ۲۰ سالگی کارشناسی علوم خود را گرفت. و در یک تعطیلات تیلستانی در کلاس‌های فارسی خانه فرهنگ لاهور شرکت کرد. گذشت یک سال از این آموزش او را ذوقی به زبان و ادبیات فارسی کرد. او دوباره به فکر شرکت در مرحله‌ی کارشناسی فرورفت. در سال ۱۳۲۲ در دانشگاه اصفهان به پایان رسید. محمد کاظم تهرانی فرهنگ ایرانی لاهور شد و شروع به تدریس فارسی کرد. سپس به درجه‌ی استادی در دانشگاه مولی نائل شد. ابتدا در دانشگاه‌های تهران و سپس به دانشگاه‌های پنجاب بازگشت. همسرش هم کارشناسی ارشد زبان فارسی دارد و به این زبان علاقه‌مند است.



دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

داشت و هنوز تمدن بزرگی در خاورمیانه است. وی خاطر نشان می‌سازد: ایران برای ۱۲۰۰ تا ۱۳۰۰سال قدرت بزرگی در غرب آسیا بود.

وی اظهار می‌دارد که فرهنگ ایرانی، روی کلیهٔ اشکال هنری آن منطقه از جهان - ادبیات، شعر، نساجی، فرش، نقاشی، عطرطی، موسیقی، معماری و باغیاتی - بیش از هزار سال تأثیر گذاشته است. امروزه در قرن بیست و یکم مردم عمدتاً در قالب فریب‌های فیلم با فرهنگ ایران زمین آشنا می‌گردند. دیویس می‌گوید: در حال حاضر سینمای ایران یکی از شوک‌فراوان و نوآورترین سینماهای دنیاست و تمام منتقدان جهان آن را می‌ستایند.

### تحلیل از فردوسی

جستارهای فیلم‌های ایرانی به صورت منظم در ایالات متحده از جمله در دانشگاه ایالتی اوهایو برگزار می‌شود. اما در میان کلیهٔ هنرهای ایرانی، این شعر پارسی بود که لقب دیویس را سخر ساخت. وی که به واسطهٔ شعرهای انگلیسی خویش مورد تجلیل قرار گرفته، به خاطر ترجمهٔ اشعار فارسی به زبان انگلیسی جوایزی دریافت کرده است. به علاوه دیویس در جلد از پرورزی ۳ جلدی حماسه‌ی ملی ایرانیان، شاهنامه را به انگلیسی ترجمه و چاپ کرده است. او شاهنامه را که در قرن دهم میلادی نگاشته شده، امتی فوق‌العاده با داستان‌های شیوا و شوکرنگیزه توصیف می‌کند. وی می‌گوید: شاهنامه را فردوسی خلق کرد. او تمامی این افسانه‌ها را آفرید و به نظم کشید. در آن چاپ‌ترین آمیزهٔ داستان‌های مختلف است. آن اساطیری کامل درباری سرمشایات دارد که از اساطیر اسلامی کاملاً مجزا است. آن کاملاً پارسی است و به هیچ وجه عربی نیست. آن یک بخش افسانه‌ای مسجورکننده دارد که تماماً درباری و قهرمانان است. درست مانند حماسه‌های هومر و یک بخش شبه‌تاریخی که بسیاری از افراد درون شعرش انسان‌های واقعی هستند. ما می‌دانیم این افراد واقعاً وجود داشته و زندگی کرده‌اند. ولی اغلب حکایاتشان بسیار عاشقانه می‌گردند.

دیویس توضیح می‌دهد که وقتی ایران در قرن هفتم توسط مسلمانان فتح شد، فرهنگ باستانی پارسی در معرض خطر نابودی قرار گرفت. فردوسی به حفظ آن فرهنگ همت گمارد و به آن امکان بخشید تا درون جامعه‌ای اسلامی بالندگی یابد. وی می‌گوید: این ستاوردی باورکردنی است. او فرهنگ ایرانی پیش از اسلام را به جهان اسلام آورد و طرفهٔ این که فردوسی خودش مسلمان بود. او اصلاً مخالفی با اسلام نداشت. فقط نمی‌خواست میراث نیاکانشان از بین برود یا به فراموشی سپرده شود.

### تعامل فرهنگ ایران و یونان

دیویس در حال حاضر سرگرم تهیهٔ جلد سوم ترجمه‌ی داستان‌های بزرگ شاهنامه است. او هم چنین اخیراً کتابی دربارهٔ پیوندهای بین داستان‌های عاشقانه‌ی فارسی و ادبیات یونان با عنوان «فرزندان پخته» منتشر کرد.

وی می‌گوید: یونانیان و پارسیان با همدیگر می‌جنگیدند و بسیاری از مفاهیم تاریخ کهن ما تمدن‌هایی که از پطن آن تاریخ تکوین یافت و تمدن ما را غنی می‌بخشد. بر پایه‌ی همان مناسقه استوار است. اما هرگز آن‌چنان که تاریخ‌نگاران اظهار کرده‌اند. جدایی تاریخی بین یونانیان و ایرانیان باستان وجود نداشته است. بر عکس، همواره مبادله‌ی فرهنگی بین دو فرهنگ وجود داشته و این را می‌توان در ادبیاتشان دید. دو فرهنگ‌های ما از پطن همان تکامل رشد یافته‌اند.

در سال ۲۰۰۱ دیویس اولین جلدیه‌ی سالانه‌ی مؤسسه‌ی آمریکایی مطالعات ایرانی را به خاطر ترجمه‌ی زمان فارسی «دلی‌جان نالون» نوشته‌ی «الرج یزشکوفه» دریافت کرد. وی و همسرش انجم دربنی همچنین دومین جلدیه‌ی سالانه‌ی این مرکز را به خاطر ترجمه‌ی شعر «بوم برغان» اثر قطار دریافت نمودند. او در سال ۲۰۰۲ یک جلدیه‌ی ممتاز از دانشگاه اوهایو دریافت کرد. دیویس با بررسی سلوکش که وی از اوپورتس مارت انگلیس به تهران و از آن‌جا به اوهایو رهنمون شد، می‌گوید این جلدیه به تنها افتخاری شخصی بلکه به رسمیت شناختن اهمیت مطالعات ایرانی در دانشگاهی است که وی خانه‌ی خود می‌داند.

# ... و شدم مجذوب شعر فارسی

## DICK DAVIS



### دیویس در حال حاضر سرگرم تهیه ی جلد سوم ترجمه ی داستان های بزرگ «شاهنامه» است

دیگ دیویس

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

دیگ دیویس، ۱۹۲۵

<sup>[1]</sup> دیگ دیویس (Dick Davis)، شاعر و استاد مطالعات فارسی در دانشگاه ایالتی اوهایو، می‌گوید این شعر بود که نخستین بار وی را شیفته‌ی تاریخ فرهنگ و زبان فارسی کرد

ایران

دانشگاه تهران می خواهد آثار غنی کشور را به جهانیان بشناساند

دانشگاه تهران می خواهد آثار غنی میراث فرهنگی کشور را به جهانیان بشناساند. دکتر فرجی دانا، رئیس دانشگاه تهران با اعلام مطلب فوق در مراسم افتتاحیه ی چهارمین مجمع استادان زبان و ادبیات فارسی که در تالار فردوسی دانشگاه تهران برگزار شد، ضمن خوش آمدگویی و غیرمقدمه به نامی استادان، فرهیختگان و علاقه مندان مباحث ایران شناسی و ادبیات فارسی که از کشورهای مختلف در این مجمع حضور داشتند، از سازمان شورای گسترش زبان فارسی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که در برپایی این مجمع مشارکت داشتند قدردانی کرد.

رئیس دانشگاه تهران در ادامه گفت: استادان محترم آگاهند که زبان فارسی، تنها زبان گفتار و نوشتار نیست، ترجمان عالی ترین احساس و تمدن انسان امروزی است و مسلماً تشکیل این گونه مجامع، ارزش ادبیات وسیع و درخشان فارسی را بیش از پیش نمایان می سازد. دکتر فرجی دانا با اشاره به این نکته که با کرد آمدن محققان و مطرح کردن حاصل پژوهش های خود پیرامون مسائل ایران شناسی، می توانند زمینه های مناسب را برای گفت و گوی تمدن ها فراهم آورند، گفت: این امر می تواند وسیله ای برای نسل جوان در جهت انجام پژوهش در عرصه فرهنگ سرزمین های باشد که قرن های متمادی کشورهای مشرق زمین راه را بر این میراث غنی مشترک بسته اند.

رئیس دانشگاه تهران، با اعلام این مطلب که با سرمایه گذاری روی زبان فارسی می توان نقش آن را پیرامون ارتباطات بشری ثبت کرد، اظهار کرد: دانشگاه تهران، پشتیبانی خود را برای تحقق این امر اعلام می کند، وی در پایان افزود: دانشگاه تهران در پایه گذاری کرسی های زبان فارسی در کشورهای مختلف تلاش می کند زبان فارسی را هر چه بهتر آموزش دهد و با ارسال کتاب های منتشر شده انتشارات دانشگاه سعی در استعمار این گونه مجامع دارد تا از این طریق، بتواند آثار غنی میراث فرهنگی کشور را به جهانیان بشناساند.

تاجیکستان

جای پای زبان فارسی در کشورها

زبان فارسی، با فارسی دری یا فارسی تاجیکی از نگاه گذشته ی خویش در میان زبان های دنیا جایگاه خاصی داشته است.

آقای سیم الدین نماینده انجمن استادان ادبیات فارسی کشور تاجیکستان در مراسم افتتاحیه ی چهارمین مجمع بین المللی استادان زبان و ادبیات فارسی، با بیان این مطلب گفت: زبان فارسی در همه ی دوران تاریخی، زبان شعر و ادب، زبان دل، زبان علم، زبان سیاست و زبان صلح میان مردم شاهنشاهی هخامنشی و پارتی، ساسانی و نیز سامانی بوده و این زبان ساقه ی بی همتا و تجارب بسا دورد تاریخی دارد.

وی با اشاره به این نکته که همه ی غیر ایرانی ها که در جوار فارسی زبانی می زیسته اند، زبان فارسی را به خواست و میل خود مانند زبان مادری شان می آموختند، گفت: آن ها همانند ایرانی ها آثار زیبایی را به زبان فارسی می آفریدند و در رشد و گسترش این زبان نقش بزرگی داشتند.



سیم الدین در بخشی از این پیام اظهار کرد: مردم کشورهای هم مرز ایران واقعاً عاشق و شیفته ی زبان فارسی بوده اند و از زبان فارسی واژگان فراوانی را به میراث برده اند که بیشترین واژگان امروز تنها در این زبان محفوظ هستند. وی یکی از ویژگی های زبان فارسی را از نگاه رشد تاریخی، داشتن تحولات واقعی تاریخی برشمرد و افزود: نسل های امروزی آثار گذشته ی خویش را بدون مشکلات خاصی درک می کنند که این ویژگی مخصوص کم تر زبان های دیگر دنیا است. زبان فارسی قبل از اسلام نیز در کشورهای گوناگون رونق فراوان داشته است. وی در این پیام با اشاره به این که امروزه جای پای زبان فارسی در بیش تر کشورها مشاهده می شود، گفت: این زبان از فراورد تا باختر و خراسان، افغانستان و تمام ایران یادداشتن گویش های فراوان گسترش داشته و بعدها به مناطق هم مرز ایران از جمله برخی از کشورهای عربی نیز وارد شده و مورد استقبال ادیبان و دانشمندان فراوانی در آن سرزمین ها قرار گرفته است.

نماینده استادان زبان و ادبیات فارسی کشور تاجیکستان با یادآوری این که زبان فارسی در درازنای تاریخ برای اقوام متجاوز نیز به حیث زبان ادب و فرهنگ ایرانی خدمت کرده است، اظهار کرد: در زمان سامانیان، با این زبان در بخارا، بهترین و ناب ترین آثار فارسی دری آفریده شد و بعداً در باختر و خراسان ستارگانی در آسمان ادب فارسی درخشیدند و در همه ی زمان و مکان در سرزمین ایران این زبان به طور خاصی گسترش پیدا کرده است.

وی نمایندگان ادب فارسی را مبلغان این زبان در کشورهای دیگر دانست و گفت: امروز آثار علمی، ادبی و فرهنگی زبان فارسی زیوربخش گنجینه ی کتاب خانه های جهان شرق و غرب هستند. وی در ادامه گفت: چهارمین دوره ی این همایش در تهران برای ما استادان زبان فارسی و همه ی دانشمندان و دوستداران فرهنگ فارسی بسی خوشحالی دارد، چون زبان فارسی از نگاه تاریخی در چند سرزمین از جمله تاجیکستان، افغانستان و ایران رشد شایانی داشته است.

سیم الدین برای زبان فارسی سه زادگاه برشمرد و افزود: زبان فارسی در یک زادگاه به دنیا آمده و در زادگاه

دیگر رشد کرده و در زادگاه آخر به کمال رسیده است. امروز در این سه مهین مادری خویش، روز به روز دوره ی کمال خویش را برپری می کند و این همایش مثل همایش های قبلی باید برسد و گسترش زبان فارسی را به جهانیان عرضه کند. از این نگاه، این مجمع ارزش ولایی دارد. وی در پایان پیشنهاد کرد با توجه به جایگاه زبان فارسی در کشورهای فارسی زبان و دورنمای رشد بعدی آن و همگون سازی واژگان و اصطلاحات در کشورهای فارسی زبان مثل تاجیکستان، افغانستان و ایران، پنجمین همایش بین المللی استادان زبان و ادبیات فارسی در کشور دیگری از جمله تاجیکستان برگزار شود.

پکن

فرصتی برای تبادل تجربه

زبان فارسی به عنوان یک وسیله مبادله مهم در ایجاد نظام ملل مختلف جهان بسط و توسعه تمدن باستانی ایران، تسریع امور تجاری و پیشبرد تکنولوژی معاصر جهان نقش بسیار مؤثری ایفا می کند. زن یان شن استاد زبان فارسی در دانشگاه پکن ضمن بیان این مطلب گفت: اکنون تعداد دانشجویان فارسی زبان در دنیا سال به سال رو به افزایش است که این رونق و شکوفایی مشکلاتی چون چگونگی بالا بودن کیفیت تدریس این زبان، چگونگی تربیت و پرورش معلمان جوان و شایسته ی زبان فارسی به شیوه ی مدرن و مؤثر، نحوه فراهم آوردن فرصت برای یادآموزی استادان، چگونگی تأمین هزینه برای چاپ مواد درسی و لغتنامه ها را پدید آورده است. وی تأکید کرد: در این سال ها وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری سازمان های مختلف آموزشی مشکلات یاد شده را تا حدی حل کرده است. برگزاری این مجمع فرصت مغتنمی است برای استادان زبان فارسی در سایر کشورها، زیرا که استادان به یکدیگر معرفی شده و تجربیات خود را در اختیار هم قرار می دهند.



## متن و حاشیه متن و حاشیه



### دکترهای خانگی

## ۱۰ کرسی جدید زبان فارسی در جهان

در پیام «انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی در روسیه» مطرح شد:

### آموزش زبان فارسی در روسیه یک نیاز است

هر زبان فرهنگ خود را منعکس می‌کند بنابراین یادگیری است.

الکسی خیزماتولین نماینده انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی در روسیه در چهارمین مجمع بین‌المللی استادان زبان و ادبیات فارسی که پیام انجمن را می‌خواند ادامه داد: آشنایی با زبانی دیگر اجازه می‌دهد تا فرهنگ‌های مختلف، ویژگی‌ها و نقاط مشترک میان آن‌ها بررسی شود و سبب پیدایش علاقه‌مندی اعضای هر فرهنگ به فرهنگ دیگر شود.

وی افزود: زبان فارسی نیز در طول تاریخ دور و دراز خود محمل انتقال فرهنگی گران‌بها و پربار بوده که طی قرن‌ها، حضور پیوسته در گستره‌ای پهناور داشته است. وی در ادامه افزود: این زبان، علاوه بر آن که علل وحدت اقوام مختلف فارسی‌زبان بوده و مبرانی ارجحیت برای آنان به یادگار گذاشته، ابزاری تأثیرگذار بر فرهنگ‌های دیگر نیز بوده است و به یادگار گشته، ابزاری تأثیرگذار بر فرهنگ‌های سرزمین‌های مجاور ایران، می‌توان یافت که از فارسی تأثیر پذیرفته باشند. نماینده انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی در روسیه در ادامه ی پیام خود گفت: در کشور روسیه نیز بی‌گمان زبان فارسی تأثیر چند صدساله، به قدمت روابط میان اقوام ساکن در کشور فارسی‌زبان دارد.

به همین سبب آموزش این زبان گسترین در واقع از نیازهای ملت روسیه به شمار می‌آید ضمن آن که برای شمار قابل توجه مسلمانان این سرزمین، زبان فارسی که زبان دوم جهان اسلام است، نقش بی‌ارتباطی میان مردم و اعتقادات دینی‌شان را هم بازی می‌کند.

الکسی خیزماتولین آموزش و ترویج زبان فارسی را در کشور روسیه وظیفه‌ای سنگین و مهم برای انجمن دانست. وی در ادامه گفت: تلاش تمام پژوهشگران و استادان زبان فارسی در روسیه که آموزش این زبان در آن‌جا پیشینه بسیاری دارد روند تازه‌ای به خود گرفته و چشم‌انداز روشنی پیش رو نهاده است.

وی در پایان از مسئولان ایرانی که پیوسته فرصتی برای دیدار استادان زبان فارسی در سراسر دنیا فراهم می‌آورند و به این موضوع توجه ویژه دارند تشکر کرد.



فارسی سهمی ویژه قابل شویم. به اعتقاد معاون فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، زبان فارسی به سرمایه‌گذاری درازمدت آموزش، نیاز دارد و برای تقویت متون و منابع آموزشی و پژوهشی و امکان برخورداری آسان و ایزان خواستار زبان فارسی در سراسر جهان، باید راهی نو را در پیش گرفت. خانگی زبان فارسی را باید به عنوان ابزاری برای «گفت‌وگو با خویش»، «گفت‌وگو با دیگری»، «گفت‌وگوهای درون تمدنی و گفت‌وگوهای برون تمدنی» در نظر بگیریم. وی با تأکید بر این که زبان فارسی را باید برای برآوردن نیاز به «خودشناسی» در حوزه‌های غیرفارسی‌زبان نیز تعریف کنیم ادامه داد: زبان فارسی قرن‌ها زبان ادب و سیاست و تجارت در سرزمین‌هایی بوده است که امروز به فارسی سخن نمی‌گویند. پیدایش این وضعیت که تا حدود زیادی از دگرگونی در جغرافیای سیاسی و فرهنگی ورشد جلوه‌های نوین ناسیونالیسم تأثیر پذیرفته است، ضرورت توجه به زبان و ادب فارسی را در این حوزه‌ها کم نمی‌کند.

وی در پایان خاطر نشان کرد: واقعیت آن است که دگرگونی در جهان اقتصاد، جهان سیاست، جهان فرهنگ و جهان دانش، دامنه و دایره‌ی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری هر زبانی را تغییر داده است و زبان فارسی هم از این قاعده مستثنی نیست. وی با اشاره به این که نگاه حسرت‌بار و نوستالژیک به وضع زبان فارسی و گستره‌های آن در جهان، کافی نیست، افزود: شناخت ما از امروز و خواست ما از آینده در کنار تلقی از گذشته می‌تواند فهم سازگاری از سنانه و موقعیت کنونی را زبان فارسی ایجاد کند.

معاون فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از اقدامات اجرایی برای تأمین ۱۰ کرسی جدید در جهان خبر داد. به گزارش خبرنگار کتاب هفته‌های خانگی روز گذشته در مراسم افتتاحیه‌ی چهارمین مجمع بین‌المللی استادان زبان و ادبیات فارسی، با اعلام این خبر گفت: در حال حاضر ۱۵ کرسی آموزش زبان فارسی در دانشگاه‌های جهان به وسیله استادان آموزشی از ایران اداره می‌شوند. وی افزود: زبان و ادبیات فارسی در ۳۳ دانشگاه، در سطح کارشناسی ارشد و در ۲۲ دانشگاه در سطح دکتری ارائه می‌شود که ۳۶ دانشگاه نیز آن را در سطح کارشناسی عرضه می‌کنند. مشاور رئیس جمهور در عین حال با آموزش زبان فارسی، تسهیل آمد و شد علاقه‌مندان این زبان به ایران و تدارک آموزش زبان به نسل‌های مقیم و مهاجر پارسی‌گو را کاری بزرگ و نیازی حیاتی دانست و افزود: باید تصویر نهادهای آموزش عالی و پژوهشی ایران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، بنیاد ایران‌شناسی، دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی و شورای گسترش زبان فارسی را در این میانه و به روشنی ببینیم و در تقویت نقش آنها کام ببراییم.

خانگی ضمن در نظر گرفتن زبان فارسی در پیوند با حوزه‌های تخصصی و تحقیقی گفت: ادب فارسی نایاب‌های بلند ادبیات جهان رفته است. اکنون با گامی به «ادبیات تطبیقی» (بند تطبیقی) و «مطالعات زبان‌شناسی» باید چشم‌انداز نوینی را در گسترش زبان فارسی ترسیم کرد.

وی همچنین اظهار کرد: باید زبان فارسی را به عنوان میراث مشترک همه‌ی فارسی‌گویان و فارسی‌نویسان ببینیم و برای گسترش ارتباطات سازمان یافته‌ی دانشگاهی در عرصه‌ی زبان

# متن و حاشیه متن و حاشیه

محمدجان شکوری، نماینده انجمن استادان زبان فارسی تاجیکستان:

## ایران، زادگاه زبان فارسی امروزی است

شعر حافظ مثل عروسک زیبایی است که با شوق فراوان می‌توان یا آن سر و کار داشت. وی ادامه داد: در قرن بیستم در ماوراءالنهر دو استاد زبان فارسی به نام های صدرالدین عینی و عبدالله فطرت حضور داشتند که استاد عینی، استادی زیر دست در زبان فارسی، تاجیکی و ماوراءالنهری بود. وی از گنجینه های زبان فارسی قرن بیستم بود که به زبان ادبی و لادوخته های تاریخی زبان فارسی خیلی چیزها افزود.

وی با اشاره به این که امروز زبان فارسی در تاجیکستان راه نوبی را می‌پیماید اظهار امیدواری کرد در آینده یعنی در زمان استقلال تاجیکستان، امید آن داریم که رونق زبان فارسی پیش از پیش شود. محمدجان شکوری در پایان سخنان خود، یادکردن این مطلب که سزوار است زبان تاجیکی ماوراءالنهر از نقطه نظر امروزی تحقیق شود گفت: کارمحققانی مثل استاد روانی که کار تحقیق فرهنگ تاجیکی - فارسی را انجام می‌دهند و یا بحث و پیرایش گنجینه ی فارسی امروزی می‌شوند، بسیار پراهمیت است.

مردم بخارا، بدخشان، سمرقند و خجند در طول قرن‌ها برای نگهداری زبان فارسی شب زنده‌داری کرده‌اند.

محمدجان شکوری یکی دیگر از سخنرانان همایش مجمع بین‌المللی استادان زبان و ادبیات فارسی، در مراسم افتتاحیه این همایش ضمن بیان این مطلب، پیرامون این مجمع که چهارمین دوره ی خود را پشت سر می‌گذارد، گفت: در مجمع اول از کشور تاجیکستان ۱۹ استاد زبان فارسی به عنوان نماینده شرکت کرده بودند، اما در این مجمع ۱۴ نماینده حضور دارند که به جان و دل راه ایران را پیش گرفتند.

وی در ادامه افزود: در شرق و غرب زبان فارسی شهرت به خصوصی دارد.

شکوری در این باره، با اشاره به مکانی‌ای که در دهه سوم قرن بیستم بین کارل مارکس و انگلس به زبان روسی صورت گرفت، اظهار کرد: در این مکانی انگلس از تجربه آموزش زبان فارسی خود می‌گوید و یادآور می‌شود که از حسن زبان فارسی حلاتی می‌برم. زبان فارسی و

خبر

مسائل و مباحث زبان فارسی

تاجیکستان، مغرب، ترکیه

### بهنیار، پدیده‌ای تازه در ادبیات امروز تاجیکستان

شمس‌الدین صالح از کشور تاجیکستان مقاله خود را پیرامون نویسنده بهمنیار، ارائه کرد.

در این مقاله آمده است: پدیده‌های تازه ادبی و فرهنگی از اصل، محصول رشد پیوسته‌ی ادبیته‌ی ادبی و زیبایی‌شناختی جامعه هستند. این معنی در فضای داستان‌نویسی فارسی تاجیکی روند تازه‌ای ایجاد کرده که متعلق به ۲۰۱۹-سال اخیر تر معاصر تاجیک است و این روند با دوره‌های سابق اثر عهد شوروی به کلی فرق دارد. در این جا هدف اشاره به نوجویی های ادیبان جوان تاجیک است. که ایشان در نظم و هم چنین در اثر، درون‌مایه و پیرایه‌ی ادبیات را تغییر دادند.

در این میان بهمنیار، نویسنده‌ی تازه گوئی، مقام ویژه‌ای دارد. وی تنها یا داستان های کوتاه‌ش به ادبیات تاجیکی سال‌های ۱۹۸۰ میلادی وارد شده و در مدتی کوتاه مقام خود را پیدا کرده است. در حال حاضر این سخنور تازه کار زوی داستان‌های کوتاه و بلندی نظیر رمان شامشاه کار می‌کند.

بهمنیار از پیشگام ترین نویسندگان امروز تاجیک است که کارهایش خوانندگان زیادی دارند. ولی باعث تأسف است که آگاهی خوانندگان ایرانی از نگاهت‌های او خیلی کم است. تنها یک یا دو داستان کوتاه این نویسنده‌ی برجسته در ایران به نشر رسیده است که فکر می‌کنم خیلی کم است.

### احیای ادبیات مذهبی در تاجیکستان

خدایی شریف اف، در مقاله خود تحت عنوان احیای ادبیات مذهبی در تاجیکستان گفت: از آغاز گسترش اسلام در ماوراءالنهر علم و ادبیات رشد زیادی داشت. دانشمندان بزرگی به مانند خوارزمی، فارابی، امام البخاری، ابن سینا، ابوریحان بیرونی و دیگران از همین جا یا به جهان دانش و معرفت گذاشتند. یکی از افتخارات گروهی از فقها در قرن چهارم هجری، تفسیر بزرگ محمدبن جریر طبری بود که به زبان فارسی تری ترجمه شده بود که در خود ترجمه‌ی نخستین قرآن مجید را هم داشت. این کتاب معتبر تا زمان ما رسیده و چاپ هم شده است.

در مدت هزار سال بعد از سقوط سامانیان، با وجود خروج‌های پرودام خرابی آروز، اقوام ترک و مغول، علم و ادب در این سرزمین، همچنان در نشو و نما بود و رشته‌ی تألیف کتب علمی، مذهبی و ادبی هرگز گسسته نمی‌شد.

بر اثر انقلاب‌های شوروی، میلادت گسترده سیاسی و اجتماعی، مرکز علم و ادب به زبان فارسی تاجیکی از بخارا و سمرقند و سایر شهرهای قدیمی به پایتخت جمهوری تازه تأسیس تاجیکستان، شهر دوشنبه، هم چون میراث، بر تمدن و زبان قدیمی این مرز و بوم تغییر جای و مکان داد. از آنجا که اساس سیاست اتحاد شوروی سابق بری دینی بود، هم میراث مذهبی سنتی در جامعه متروک ماند و هم روند آفریدن اثرهای علمی و ادبی و مذهبی قطع شد.

خبر

مسائل و مباحث زبان فارسی

تاجیکستان، مغرب، ترکیه

### خدای زبان فارسی نگهدار آن است

موش اسدی خدایمی، از کشور مغرب، مقاله خود را با عنوان خدای زبان فارسی نگهدار آن است این گونه آغاز کرد: بر اساس آرای دانشمندان فرهیخته ی ادبیات فارسی در پاسخ به برخی از پرسش‌های مطرح شده در میدان تدریس زبان فارسی در عصر ما و راه‌ها و این که چگونه فارسی زبانان این زبان را در معرض هجوم اصحاب پست الکترونیکی بر دفاع می‌یابند و آیا برج و باروی دسوری گوناگون می‌تواند زبان را از این آسیب مصون داد؟ مقاله خود را تقدیم می‌کنم.

برای دانش ایران شناسی، سخن از گفت‌وگوی تمدن‌ها بسیار برعزمی و والا است و شخصیتی که چنین گفت‌وگوئی را پیشنهاد کرده‌اند، سیدجلیل القدر و الاقلامی بر صدر حکومت اسلامی ایران است که ایشان را برای بار دوم برگزیده‌اند. این شخصیت والا مقام، رئیس جمهوری کشور، خود نیز ایرانی است. ایشان پیشنهاد خود را درباره‌ی گفت‌وگوی تمدن‌ها به زبان فارسی بیان کردند که از شبکه‌های ماهواره‌ای به گوش جهانیان رسید. زیر این و خط‌قرسی و مشترک مردم ایران، فارسی است. زانی که معرف سیمای معنوی ایران اسلامی و عامل پیوند ایرانیان بر جنبه‌های همی و وسیله‌ی تقاض فرهنگ آنان و در بردن‌ده‌ی گوهر شایستگی ایرانیان است. از این رو، پژوهش‌های ایران شناسی با زبان شناسی پیوندی عزیز دارد و تنها با پیگیری جلوه‌های زبان فارسی بر پایه‌ی زبان شناسی در می‌بایم چگونه ادبیات آن نوانسته است بوسه بر معانی قرآنی بزنند.

### ویژگی‌های آوایی زبان فارسی بدخشان

محرم فیض‌اف درباره‌ی ویژگی‌های آوایی زبان فارسی بدخشان مقاله‌ای ارائه کرد.

در این مقاله آمده بود ویژگی سیستم زبان‌های ایرانی‌استان این بود که صوت‌ها از لحاظ مقدار، مقابل گذاری فونولوژی داشتند.

در زبان فارسی قدیم سه صوت دارای ویژگی‌های کوتاه و کشیده بود که اهمیت فونولوژی داشتند.

در دوره‌های بعدی کشیدگی صوت‌ها از اهمیت فونولوژی محروم شد و صوت‌های زبان فارسی تنها از لحاظ کیفیت از هم متفاوت شدند.

تغییر کیفیت که یکانه نشانه‌ی تصنیف سیستم صوت زبان‌های ایرانی محسوب می‌شد، از طرق مختلف صورت گرفت. الف - از طریق تغییر درجه‌ی تغییر برداشت زبان، ب - از طریق غریبی شدن صوت، پ - از طریق به پیش میل کردن زبان.

از نگاه دوربین



کتابخانه شماره ۱۳۳، سه شنبه ۲۹ مهر ۱۳۸۲، ۱۳



## کورسی های زبان فارسی در ایتالیا

گفت و گو با دکتر فائزه مردانی

در چهار دانشگاه ناپل، رم، ونیز و بولونیا که جزو دانشگاههای مهم ایتالیا هستند، کورسی زبان و ادبیات فارسی وجود دارد

### مضمونه تیرگریان

فائزه مردانی استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه های ایتالیاست و نزدیک به سه دهه مقیم آن کشور است. مردانی متولد تهران، پس از اخذ لیسانس برای ادامه تحصیل در سال ۱۳۷۵ راهی رم شد و در رشته زبان و ادبیات فرانسوی لیسانس گرفت. دکترای مطالعات ایتالیایی را در دانشگاه تاپلی گذراند و هم اکنون در دانشگاه بولونیا تدریس می کند.

خانم مردانی الان وضعیت زبان و ادبیات فارسی در دانشگاههای ایتالیا چگونه است و تعداد دانشجویان زبان فارسی چقدر است؟ مقاله ای که فراتر است در سمینار سه روزه زبان و ادبیات فارسی ارائه کنم دقیقاً مربوط می شود، به وضعیت کورسی های زبان فارسی در ایتالیا، اما مختصر خدمت شما می گویم که در چهار دانشگاه ناپلی، دانشگاه رم، دانشگاه ونیز و دانشگاه بولونیا که جزو دانشگاههای مهم ایتالیا هستند، کورسی زبان و ادبیات فارسی وجود دارد و استادان ایتالیایی که تدریس می کنند و زبان و ادبیات فارسی تحصیل کرده اند، در این چهار دانشگاه تدریس می کنند.

تعداد دانشجویان زبان فارسی متأسفانه خیلی زیاد نیست و علتش هم این است که وقتی دانشجوی رشته ای را انتخاب می کند و سال هلی را صرف تحصیل آن رشته می کند قطعاً باید به آینده اش هم فکر کند و اینکه از این رشته ای که تحصیل می کند، چه استفاده هایی می تواند ببرد؟ مورد زبان و ادبیات فارسی، امکانات خیلی در آنجا خیلی محدود است، بنابراین اکثر دانشجویانی که رشته زبان و ادبیات فارسی را انتخاب می کنند به خاطر عشق و علاقه ای است که به خاورشناسی دارند و یا به زبان های شرقی و به خصوص به زبان و ادبیات فارسی.

در دانشگاههای ایتالیا در رشته زبان و ادبیات فارسی چه آثاری تدریس می شود؟ دروسی که در آنجا تدریس می شود معمولاً مربوط به زبان و ادبیات کلاسیک فارسی است، البته در قسمت زبان و در جایی

که امکانش وجود داشته باشد و در جایی که همکاران فارسی زبان حضور دارند، به آموزش زبان فارسی امروز پرداخته می شود. حتی رایج به آثار نویسندگان و شاعران معاصر یا دانشجویان صحبت می کنند و آنها را راهنمایی می کنند تا بتوانند با زبان فارسی امروز آشنا شوند. ولی به طور کلی در دانشگاههای ایتالیا در رشته زبان و ادبیات فارسی تمام متون درسی، از متون کلاسیک انتخاب می شود یعنی اشعار شاعران ترن هفتم و هشتم و آثار متون فارسی آن عصر تدریس می شود.

می توانید دلیل این امر را بفرمایید؟

علت های مختلفی دارد، به نظر من یکی از مهمترین دلایل این است که ادبیات کلاسیک فارسی آن قدر برای شرق شناسان و برای استادانی که زبان فارسی تدریس می کنند، غنی و بزرگ است که در آن مدت کوتاه تحصیل دانشجویان سعی می کنند از همین شخصیت های بزرگ ادبیات فارسی مثل حافظ و سعدی و فردوسی و ابوالفضل بهیقی و... سخن بگویند و به دانشجویان اول آنها را معرفی کنند. راستش چون رساله دکترای خودم پیرامون شعر معاصر فارسی بوده و موضوع رساله لیسانس هم شعر معاصر بوده است، دلم می سوزد از اینکه ادبیات معاصر شناسانده نمی شود...

شما در رساله خود به کدام دسته از شاعران معاصر پرداخته اید؟

من بر روی بخش شعر نو معاصر کار کرده ام.

یعنی از نیما به بعد را برای نوشتن رساله انتخاب کرده اید؟

بله از نیما به بعد را انتخاب کردم. البته با توجه خاصی به ادبیات نهضت مشروطه و اشعار دوره مشروطه و بعد هم شعر نو

به عنوان فرزندی که از این نهضت زاده شده است.

لا بد در این رساله عمدتاً به شاملو و فروغ پرداخته اید؟

عمدتاً به پنج شاعر مهم بعد از نیما پرداخته که هر یک از این پنج شاعر در واقع بنیانگذار سبک خاصی در شعر نو ایران هستند. این پنج تن، نیما، اشراق، سپهری، شاملو و فروغ فرخزاد هستند.

این شاعران هر کدام مکتب متفاوتی دارند و هر یک در شعر نو جریان ساز بودند که بعداً شاعران جوان تر از شیوه آن ها استفاده کردند و پیروی یکی از همین شاعران شدند، البته من مجبور بودم رساله را موزون و محدود بنویسم چون موضوع رساله را نمی شود

خیلی گسترش داد. تصمیم به انتشار این رساله ها به صورت کتاب ندارید؟ شما اگر تازگی برای چاپ و انتشار آنها پیدا کنید (ناخنده) من حاضرم. از شوخی که بگذریم این رساله ها به زبان ایتالیایی است چون برای ارائه به استادان ایتالیایی نوشته شده بودم من می بایست با استادان ایتالیایی دوره دکتری ام را می گذراندم. متأسفانه فعلاً امکان چاپ این رساله ها را ندارم. متأسفانه فعلاً تصور من این است که ادبیات معاصر فارسی به این دلیل در دانشگاههای ایتالیا تدریس نمی شود که استادان زبان و ادبیات فارسی ادبیات معاصر ایران را نمی شناسند.

بله، درست است، یکی از عوامل همین مسأله است اما عامل مهمش همان متزلزل شاعران و نویسندگان ادبیات کلاسیک فارسی است هر چند با شعرا و نویسندگان ادبیات کلاسیک از تحولات ادبیات معاصر فارسی مطلع هستند و باکم اطلاع هستند و برای شناخت آن وقت صرف نکرده اند.

آیا قصد دارید ادبیات معاصر فارسی را با ترجمه به ایتالیایی زبان معرفی کنید؟

ببینید، من خیلی خیلی مشتاق این کار هستم و خیلی علاقه مند برای همین هم رساله دوره کارشناسی لیسانس و دکتری ام را با وجود اینکه استادان اهمیت چندانی به موضوع رساله ای که انتخاب کرده بودم، نمی دادند، به معرفی شعر معاصر فارسی اختصاص دادم. من سعی کردم همین راه را ادامه بدهم چون خیلی به آن معتقد بودم. اما متأسفانه در آنجا شرایط انتشار کتاب آن قدرها آسان نیست، کسی که تصمیم می گیرد کتابی را به شعر معاصر ایران و یا شعر معاصر ایران چاپ کند، تاشرش باید خیلی زیست کند. برای اینکه شناختی وجود ندارد، وقتی شناختی نیاند کسی هم سراغ چنین کتابی را نمی آید.

در سال های اخیر استقبال جویسی در آثار مولانا در آمریکا و اروپا دیده می شود و این وضعیت در ایتالیا به چه صورت است؟

من فکر می کنم این یکی از جنبه های گرایش به شرق هست، که در اروپا و جوامع غربی در دهه اخیر ایجاد شده است. دلایل خیلی مقلد است ولی در صورت یک نوع نگاه به طرف شرق، به تصوف و به عرفان در میان نسل جوان اروپایی و

### از نگاه دوربین



آمریکایی پیدا شده است. در حالی که قبل از این توجه به حوزه شرق و ادبیات شرق فقط مختص خاورشناسان و محققان بود. در ضمن نباید از نظر دور داشت، مولانا آفقر بزرگ و درخشان است که هر کس به سمت شرق خیره شود، نورانی ترین نقطه مولاناست که به چشم می خورد.

**حالا با این تحولات، گرایش به ادبیات فارسی و اشعار عارفانه در اینیا پیشتر شده است؟**

نه البته ترجمه اشعار مولانا به ایتالیایی، یکی از پر فروش ترین ترجمه ها از میان شاعران ایران است.

**چه مدتی از ترجمه آثار فارسی در اینیا می گذرد؟ یعنی از چه سالی شاعران ایرانی در اینیا شناخته شدند؟**

از اوایل قرن بیستم تا دهه ۱۹۵۰ فعالیت‌ها خیلی محدود بود. ولی از ۱۹۵۰ به بعد توجه ایتالیایی ها به ادبیات فارسی بسیار زیاد شده است و کرسی‌های زبان و ادبیات فارسی در دانشگاههای ایتالیا دایر است. البته ترجمه آثار کلاسیک فارسی توسط خاورشناسان بزرگ صورت گرفته بود و هر زهم همین دسته‌اند که به ترجمه آثار فارسی می پردازند. مثلا استاد کائو ساکونه که با ایشان همکاری دارم یکی از مترجمان بسیار خوب اشعار حافظ در زبان ایتالیایی است و کتابی هم از ترجمه اشعار حافظ منتشر کرده که بسیار مورد استقبال واقع شد.

**حالم دگر خورده شما آیا هنوز کتابی ترجمه کرده‌اید؟ یا شوق و ذوق ترجمه آثار ایرانی را دارید؟ شعر یا داستان می‌نویسید؟**

خوبه در هر دو رساله اشعار بسیاری آمده است و همه آن اشعار فارسی را به ایتالیایی ترجمه کرده و بعد هم به صورت مقاله این شاعران در دانشگاه‌ها و فصلنامه‌های ادبی ایتالیایی معرفی شده‌اند. اما کاری که به من پیشنهاد شد دوست داشتم و پذیرفتم و چند سال روی آن کار کردم. بقدم فرهنگ ایتالیایی -فارسی، فارسی-ایتالیایی است که در واقع اولین فرهنگ دوزبانه است که در ایتالیا منتشر می شود. البته امکانات مالی اجازه نداد که یک فرهنگ مفصل ارائه کنیم، با همه این مسائل، این فرهنگ در دو سال اخیر به چاپ سوم رسیده است. یک کتاب دیگر هم بعد از چاپ کتاب فرهنگ ایتالیایی به اسم خودآموز زبان فارسی-ایرانی ایتالیایی‌ها منتشر کردم که هم‌ها با اولوس بود.

**با مرجعان ایرانی ساکن اینیا در ارتباط هستید؟ آیا آنها را می‌شناسید؟**

با هیچکدام ارتباط ندارم.

**با ادبیات داخل ایران چقدر آشنا هستید؟ آیا در جریان چاپ آثار تازه هستید؟**

خیلی کم. بنده در جریان چاپ آثار تازه فارسی گیرم. تنها از طریق همین نشریه کتاب هفته که در ایتالیا به دست مامی رسد، در جریان خبرها هستم. اما کتاب‌های چاپ ایران خیلی کم به دست مامی رسد. مگر اینکه هر چند وقت مسافری تعدادی از آنها را برایم بیاورد یا در جریان سفر خودم این آثار را تهیه کنم.

**چه آثاری را می‌خرید و همراه خود می‌برید؟**

نقطه ضعف من شعر است. هر کتاب شعر تازه‌ای که می‌بینم، می‌خرم و با خودم می‌برم.

**حالا چه شد که در سیمینار سه روزه زبان و ادبیات فارسی حضور پیدا کردید؟**

راستش این سفر خیلی اتفاقی بود. من در دانشگاه دعوت همایشان استادان زبان و ادبیات فارسی را دیدم. آن موقع من در حال نوشتن کتابی بودم به زبان فارسی، رایج به خصوصیات

ویژگی‌های کرسی‌های زبان فارسی در دانشگاه‌های ایتالیا. این کتاب خیلی دقیق و با جزئیات کامل است. به نظرم رسید اگر خلاصه‌ای از این کتاب در چنین سمیناری ارائه شود، بد نباشد.

<div><div><span><span> </span></span></div><span><b>صاحب امتیاز:</b></span></div>
خانه کتاب ایران
<div><div><span><span> </span></span></div><span><b>مدیر مسؤول:</b> احمد مسجدجامعی</span></div>
<div><div><span><span> </span></span></div><span><b>سر دبیر:</b> علی اصغر رضاشاهپور</span></div>
<div><div><span><span> </span></span></div><span><b>امور فنی:</b> کلبرگ گرافیک</span></div>
<div><div><span><span> </span></span></div><span><b>لیتوگرافی وچاپ:</b> ایرناچاپ</span></div>
<div><div><span><span> </span></span></div><span><b>نشانای:</b> خیابان قائم مقام فراهانی</span></div>
<div><div><span><span> </span></span></div><span><b>اول نچر (چپم):</b> شماره ۹، طبقه دوم</span></div>
<div><div><span><span> </span></span></div><span><b>صندوق پستی:</b> ۱۳۱۴۵، ۳۱۳</span></div>
<div><div><span><span> </span></span></div><span><b>تلفن:</b> ۸۳۱۸۴۵۲، ۸۳۲۰۱۹۹</span></div>
<div><div><span><span> </span></span></div><span><b>نشانای اینترنتی:</b></span></div>
<div><div><span><span> </span></span></div><span><b>http://www.ketabehahe.com</b></span></div>



## متن و حاشیه متن و حاشیه

### مسائل و مباحث زبان فارسی

#### ایران

### توان مندی های زبان فارسی

#### در نقل و طرح دیدگاه‌های معرفتی

دکتر

دکتر مهدی تاجیح، مقاله خود را با موضوع تیران مندی‌های زبان فارسی در نقل و طرح دیدگاه‌های معرفتی قرائت کرد. وی مقاله خود را این گونه آغاز کرد: در پهنه‌ی وسیع زبان و ادب فارسی، محروس معرفت، شناخت، تفهم و دانایی و دیدگاه‌های مربوط به آن از اهمیت خاصی برخوردار بوده و هست؛ به طرز کلی «امر معرفت» به عنوان امر فطری، مربوط به ذات و سرشت آدمی و شناخت وی از آنچه در پیرامون او قرار دارد، نمودار عالم هستی به شمار می‌آید. عالم هستی عالم معرفت است. همه هستی از نظر اهل معرفت مربوط به سه نظر سه‌گانه عالم هستی است.

۱- درک و فهم کته حقایق عالم هستی.

۲-حلم به امور و اسباب و مصالح هستی.

۳-شناخت اوزار و اشیای مربوط به عالم هستی.

یکی از نکات ظریف در باب معرفت و ارتباط آن با انسان، پدیده آمدن حالتی است در آدمی که وابسته به نهاد اوست؛ یعنی شناخت وی نسبت به کل عالم وجود و بصیرت آدمی در نگرش به خویشش خویشی؛ بنابراین می‌توان گفت که اولین نیاز آدمی، پس از برآورده شدن حاجت‌های فطری و غریزی اولیه، نیاز اوست به درک هستی و دریافت هویت خودی. وی در ادامه سخنان خود این‌گونه ادامه داد: اهل معرفت بر آن اند که اولادگی انسان از باطنی مآخوذ است. سسی انسان انسانا لانه این سسی، یعنی فطرت آدمی بر این نهاده شده است تا او با هر چه در مقابلش قرار می‌گیرد، انس برقرار کند و به طریق مواسست بپردازد به کته حقایق و امور و اشیای عالم و موفق پیدا کند.

در بخش دیگری از مقاله دکتر تاجیح آمده است: تعیرات مختلف عرفانی فارسی زبان در باب جوهری انسان، همراه با روح و کدالی است که از مرزهای متعارف بیرون است. وجود آدمی در حکم ذراتی است کرانه ناپدیده. هستی او هم‌پای وجود عرش و کرسی و قلم است. آدمی آینه‌ی سرخدا می‌است و وی سسه‌ی مجمل ذات و صفات الهی است. خلقت آدمی به گونه‌ی حلق‌الله عالم صوره الرحمن است. خدا در آدمی است اگر آدمی خود را بشناسد.

ارزش واقعی هر کس به اندازی معرفت اوست از خود و ادراک او از عالم عرفان و عشق و ایمان.

چه مقامی برتر از این که خداوند خود را آینه‌ی روح آدمی می‌بیند و آدمی به درجه‌ای از تعالی و قرب می‌رسد که خدا خطاب به او می‌فرماید: تو آن من و من آن تویی؛ در نتیجه، در مکتب عرفان فارسی زبان، نوعی جهان‌بینی نسبت به آدمی هست که در خشان‌ترین جنبه‌های عالم انسانی را در جهان بشری مطرح می‌سازد و زبان فارسی با تکیه بر نظریه‌های عرفانی، می‌تواند آرزو ارمان‌هایی است که لازمه زیبایی، کمال و جیداند.

### مسائل و مباحث زبان فارسی

#### تاجیکستان، مغرب، ترکیه

### تأثیر فارسی

### در شکل‌گیری اصطلاحات دینی در ترکیه

دکتر

دکتر حبیبی قیرلاکچ، در مقاله خود با عنوان تأثیر فارسی در شکل‌گیری اصطلاحات دینی در ترکیه، گفت: گرویدن قبایل ترک تاتار به دین اسلام، به طرز تدریجی و سال‌ها پس از قبول و رواج اسلام در بین اوایلان به وقوع پیوسته است. تأثیر مسلمانان ایرانی در گرویدن ترک‌ها به این اصطلاحات، حقیقت انکارناپذیر است. زردت در ترک ژلفان به دایره وسیع فرهنگ مشترک اسلامی پیشتر در اوایل حکومت عباسیان تحقق یافته است.

وی در بخشی دیگری از مقاله خود گفت: مفهوم اصطلاح‌هایی که در یک زبان وجود دارند، به مانند آینه‌ای است که در آن فرهنگ و طرز تفکر و زندگی مردمی که با آن زبان تکلم می‌کنند، منعکس می‌شود. با آن که ممکن است دین و آیین اقوام مختلف یکی باشد اصطلاح‌های دینی آن‌ها بنا به علت‌های مختلف می‌تواند از هم جدا باشد. یکی از علت‌های جدایی اصطلاح‌های دینی آن است که دین اسلام منحصر به یک قوم نیست و همه فرهنگ‌هایی که معاشرت با روح اسلام نثارند، می‌توانند با رنگ و بوی خود در فضای وسیع اسلام به راحتی زندگی خود را ادامه بدهند.

نتیجه‌ی این وسعت است که هر ملت، بعضی از عناصر ملی خود را به ترمینولوژی دینی خود دخیل کرده است. ترکی نیز از این قاعده مستثنی نیست.

در ادامه این مقاله آمده است: مفهوم اصطلاح‌های دینی را که در ترکی استانبولی مستعمل است از لحاظ رشته زبانی می‌توان به هفت طبقه تقسیم کرد. اکثر واژه‌های دینی در ترکی، عربی‌الاصیل هستند ولی این واژه‌ها به طرز مستقیم از زبان عربی به زبان ترکی نیامده است بلکه از راه زبان فارسی داخل زبان ترکی شده‌اند.

این هفت گروه عبارتند از:

۱- مفهوم و اصطلاح‌های بسیط عربی

۲- مفهوم و اصطلاح‌های مرکب عربی که بنا به قواعد دستوری عربی ترکیب شده‌اند

۳- مفهوم و اصطلاح‌های مرکب عربی که بنا به قواعد دستوری فارسی ترکیب شده‌اند

۴- مفهوم و اصطلاح‌های مرکبی که از واژه‌های عربی و فارسی و بنا به قواعد دستوری زبان فارسی ساخته شده‌اند

۵- مفهوم و اصطلاح‌های عربی که تلفظ‌اشان فارسی است

۶- مفهوم و اصطلاح‌های بسیط یا مرکب فارسی

۷- مفهوم و اصطلاح‌های ترکی.

## پا به پای زبان فارسی در کشورهای جهان



این استاد بنگالی هم چنین به کتاب‌هایی که از زبان فارسی به بنگالی ترجمه شده است اشاره کرد و گفت: شاهنامه، منشی، غزلیات حافظ، رباعیات خیام، بوستف و زلیخا، لیلی، و مجنون، هفت پیکر و اسکندرنامه نظامی از جمله این کتاب‌ها هستند.

**راه‌پیدا کردن اسلام به شیعه فاره توسط ایرانیان**  
اسلام توسط ایرانیان به شیعه فاره راه‌پدا کرده و به کوش مسلمانان فارسی زبان در این پهنه گسترش یافت.

«موقعیت زبان فارسی در مدارس دینی پاکستان» عنوان بحثی بود که از سوی گهرنوشاهی از پاکستان عنوان شد. وی با بیان این که زبان فارسی در شیعه فاره، بعد از عربی، زبان دوم مدارس دینی بود، است، گفت: بعضی از کتاب‌هایی که در این مدارس تدریس می‌شد، فارسی بودند که بدون یاد گرفتن این زبان، استفاده از آن متون ممکن نبود. این استاد پاکستانی ورود استعمارگران اروپایی را باعث از رونق افتادن مدارس دینی در شیعه فاره دانست و اظهار کرد: فارغ التحصیلان مدارس دینی در دوره‌های حکومت مسلمانان در شیعه‌های مختلف دولتی استخدام می‌شدند، ولی با ورود استعمارگران، تعداد دولتی استخدام می‌شد، کاهش یافت و مردم به سوی مؤسسات آموزش غربی روی آوردند.

وی در پایان گفت: در حال حاضر حدود یک میلیون شاگرد در این مدارس در حال یادگیری زبان فارسی هستند. در ادامه این نشست قراویود شامل احمدیاف، از کشور روسیه دربارهٔ «آینده آموزش زبان فارسی در جمهوری چین» و «بازیافت غنچلیچینسکا» از لهندان دربارهٔ «پیشینه و وضع فعلی ایران شناسی در دانشگاه وروش» سخنرانی کنند که به دلیل عدم حضور این دو نفر، سخنرانی‌های آن‌ها برگزار نشد.

**سهم هندویدیار در شعر فارسی**  
آخرین سخنران نشست زبان فارسی در جهان در این مجمع بین‌المللی، محمد شرف عالم از هند بود که به بررسی «سهم هندویدیار در شعر فارسی» پرداخت. وی با اشاره به این که منطقه استان بهار از نظر سبک، دیانت، علم و ادب مقامی برجسته داشته است، بنیانگذاران دو دیانت بودایی و جاین را برجسته از این منطقه عنوان کرد.

محمد شرف عالم هم چنین به کتابی در زمینهٔ دستور زبان سانسکریت پرداخت که شخصی به نام پانتینی حدود ۳۵۰ سال پیش از میلاد از مردم این منطقه نوشته است که هنوز جهانیان آن را نخستین کتاب دستور زبان به شمار می‌آورند.

**مطالعات زبان فارسی در دانشگاه آکسفورد**  
دومین سخنران این نشست به ارائه مقاله از سوی دومینیک بروکشا از کشور انگلستان اختصاص داشت. وی که به فارسی روان و سلیسی دربارهٔ «مطالعات زبان فارسی در دانشگاه آکسفورد» سخنرانی می‌کرد، سابقه تدریس زبان فارسی در دانشگاه‌های انگلستان را پس از تأسیس کرسی زبان عربی در قرن مقدم میلادی عنوان کرد. وی در ادامه به دو رویداد اشاره کرد که در تدریس زبان فارسی در انگلستان اثرگذار بوده است: تأسیس کرسی آموزش زبان عربی در دانشگاه آکسفورد در ۱۳۳۶ و تأسیس دانشکده زبان‌های شرقی در ۱۸۸۶.

بروکشابه سال تأسیس کتابخانه دانشگاه آکسفورد در ۱۶۰۲ پرداخت و با تأکید بر این که تنها کتاب عربی آن کتاب خانه قرآن مجید بوده است، گفت: با این وجود کسی نمی‌توانست پیش‌بینی کند در اواخر قرن ۱۷ میلادی، این کتاب خانه صاحب یکی از ارزشمندترین مجموعه دست‌نویس‌های اسلامی باشد.

وی افزود: روابط تجاری انگلیس با ایران و هند در اوقات تدریس زبان فارسی در انگلستان مؤثر بوده است. در ۱۸۸۸ نیز در دانشگاه کمبریج کرسی زبان فارسی تأسیس شد که ریاست آن به عهدهٔ ادوارد براون گذاشته شد. بروکشا در ادامه به ذکر اسامی و آثار مهم استادانی که در دانشگاه آکسفورد زبان فارسی تدریس کرده‌اند پرداخت و در انتها افزود: در حال حاضر بیش از ۲۵ نفر دانشجوی در مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا در دانشگاه آکسفورد در حال یادگیری زبان فارسی هستند.

**مبادله استاد و دانشجو و ایجاد دوره‌های آموزشی کوتاه مدت برای ایجاد رابط فرهنگی نزدیک‌تر**  
آمار موجود در کتابخانه‌های دانشگاه‌هایی که در ایتالیا زبان فارسی تدریس می‌کنند، رابطه‌ای نزدیک با جامعه فرهنگی و دانشگاهی ایران و تألیفات و نتایج پژوهش‌های معاصر ندارد.

فاخره مرانی که در نشست «زبان فارسی در جهان» از کشور ایتالیا دربارهٔ «کرسی‌های زبان و ادبیات فارسی» دانشگاه‌های این کشور سخنرانی می‌کرد، با بیان این مطلب گفت: مبادله استاد و دانشجو و ایجاد دوره‌های کوتاه مدت آموزشی و ارسال نمونه‌های تحقیقی می‌تواند این رابطه را نزدیک‌تر کند.

وی با اشاره به چهار دانشگاه ایتالیایی نابلی، ونیز، رم و بولونیا که در آن‌ها زبان فارسی تدریس می‌شود، دربارهٔ مطالب به دست آمده در پژوهش خود گفت: این مطالب حاصل بررسی کتابچه‌ی راهنمای دانشجویان، گفت‌وگو با استادان، تماس مستقیم با دانشجویان، مطالعه گزارش‌های سالانه‌ی هر دانشگاه، دیدار از مراکز ویژه خاورشناسی و گردآوری منابع کتاب‌شناسی مربوط به این رشته است.

مرانی در انتها به معرفی شیوه‌ی تدریس و استادان هر یک از این دانشگاه‌ها در رشته زبان و ادبیات فارسی پرداخت. **زبان فارسی تا اواسط قرن ۱۹ زبان رسمی بنگال**  
محمد شمیم خان از کشور بنگلادش سخنران بعدی این نشست بود که به بررسی نقش و سهم زبان و ادبیات فارسی در زبان بنگالی پرداخت. وی گفت: از قرن ۱۳ تا اواسط قرن ۱۹ میلادی، فارسی، زبان رسمی بنگال بود، ولی زبان دینی مسلمانان بنگال، عربی بود و پس از آن به تدریج انگلیسی‌ها توانستند به جای زبان فارسی، انگلیسی را در این منطقه رواج دهند. شمیم خان کتاب‌هایی مانند «بهارستان غیبی»، «ریاض السلاطین»، «سیر المتأخرین»، «تاریخ شاه شجاعی»، «نام حق» و «فرهنگ ابراهیمی» را از جمله کتاب‌های فارسی‌ای عنوان کرد که توسط بنگال‌ها نوشته شده است.

**مریم کتانی**  
نخستین نشست «زبان فارسی در جهان» عصر روز گذشته یکی از سه همایش هم‌زمانی بود که در چهارمین مجمع بین‌المللی استادان زبان و ادبیات فارسی برگزار شد. در این نشست که اعضای هیأت رئیسه آن احمد تمیم‌داری از ایران، چارلز نیومن از انگلستان، مطلوبه سجیدی از تاجیکستان و نجم‌الرشید از پاکستان بودند، شش نفر از ایران و دیگر کشورهای به ارائه مقالات عمده دربارهٔ زبان فارسی در جهان پرداختند.

در این نشست ابتدا مهین‌ناز میردهقان از ایران دربارهٔ «طرحی نوین در تعامل زبان فارسی با دیگر فرهنگ‌ها»، دومینیک بروکشا از انگلستان دربارهٔ «مطالعات فارسی در دانشگاه آکسفورد» و فاخره مرانی از ایتالیا دربارهٔ «کرسی‌های زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌های ایتالیا» به سخنرانی پرداختند. همچنین «موقعیت زبان فارسی در مدارس دینی پاکستان»، «سهم شعر و ادب فارسی در ادبیات بنگالی» و «سهم در هندویدیار شعر فارسی» مقالات دیگری بودند که به ترتیب از سوی گهرنوشاهی از پاکستان، محمد شمیم خان از بنگلادش و محمد شرف عالم از هند ارائه شدند.

**مرکز تحقیقات زبان‌های آسیایی، رویکردهای نوین در تعامل فرهنگ‌ها**

تأسیس «مرکز تحقیقات زبان‌های آسیایی» رویکردهای نوینی در سترسازی تعامل هر چه پیش‌تر میان زبان و ادبیات فارسی و دیگر فرهنگ‌هاست.

مهین‌ناز میردهقان از ایران که در اولین روز مجمع بین‌المللی استادان زبان و ادبیات فارسی سخنرانی می‌کرد، از جمله راه‌های کشف توانمندی‌های زبان فارسی و شکوفایی فرهنگی و بسط و بالندگی این زبان را ایجاد زمینه‌ی لازم برای تعامل هر چه پیش‌تر میان زبان فارسی و دیگر کشورها عنوان کرد.

وی که در نشست «زبان فارسی در جهان» در چهارمین مجمع بین‌المللی استادان زبان و ادبیات فارسی مقاله‌ی خود را دربارهٔ «ی طرحی نوین در تعامل زبان و ادبیات فارسی با دیگر فرهنگ‌ها» ارائه می‌کرد، طرح تأسیس مرکز تحقیقات زبان‌های آسیایی را پیشنهاد داد و گفت: برای زمینه‌سازی لازم برای انجام پژوهش‌های بنیادین بر روی زبان‌های آسیایی و بهبود شرایط و رفع موانع تحقیق در کشور و هماهنگ کردن تعلیمات و تحقیقات و افزایش سطح کیفی پژوهش، تأسیس چنین مرکزی لازم است. در این نشست که یکی از سه نشست هم‌زمان اولین روز مجمع به ریاست دکتر احمد تمیم‌داری استاد ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی بود، میردهقان تأسیس چنین مرکز پژوهشی‌ای را هموار کردن اهداف و شکوفایی علوم و زبان‌های آسیایی دانست و آن را زمینه‌ساز انجام تحقیقات جامع و پایدار و توسعه زبان فارسی در کشورهای آسیایی عنوان کرد.

وی همچنین دربارهٔ انجام مطالعات بنیادین در این مرکز پژوهشی گفت: این مطالعات می‌تواند به ارائه راه‌حل‌هایی اجرایی و کاربردی برای ارتقای کارایی و آموزش این زبان‌ها و تربیت محقق و مدرس برای مراکز علمی و فرهنگی کمک کند.

در این نشست مهین‌ناز میردهقان بر حصول جایگاه شایسته جهانی و زمینه‌سازی برای گسترش زبان فارسی تأکید کرد و توجه به تحقیقات زبانی را به دلیل ایجاد زمینه لازم برای گفت‌وگوی تمدن‌ها، ضرورت برنامه‌ریزی در سطح مختلف پژوهش‌های علمی و ایجاد زمینه‌ی مناسب و تقویت مطالعات ایران‌شناسی در کشورهای آسیایی با اهمیت توصیف کرد.

